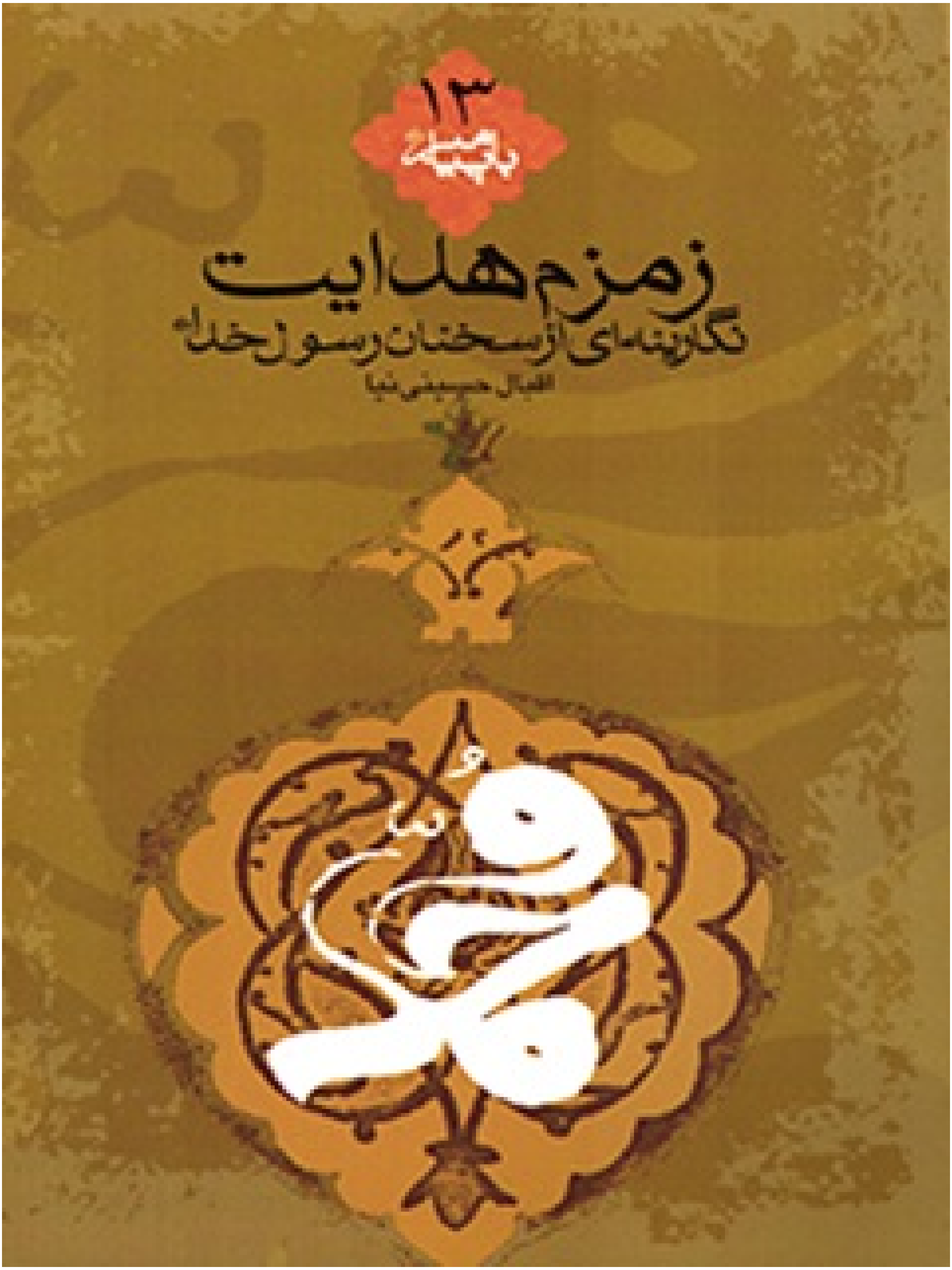

۱۳
با پیامبر
زمزم هدایت
نگاره‌هایی از سخنان رسول خدا ص
اقبال حسینی نیا

بسم الله الرحمن الرحیم

زمزم هدایت: نگارینه ای از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله

نویسنده:

اقبال حسینی نیا

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زمزم هدایت: نگارینه ای از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

زمزم هدایت: نگارینه ای از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اقبال حسینی نیا

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما / ۱۰۶۵

ص:۱

اشاره

زمزم هدایت

کد: ۱۰۶۵

نویسنده: اقبال حسینی نیا

ویراستار: ذوالفقار ناصرپور

ناشر: کتاب طه

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۵

شمارگان:

بها:

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۹۶۴-۵۱۴-۰۶۸-۴ ISBN: ۹۶۴-۵۱۴-۰۶۸-۴

ص:۲

دیباچه

سیره پیـامبران الگوی تربیت عملی انسـان هـاست؛ زیرا بـا پیروی از سـیره عملی آنـان در مسـیر کمـال قرار می گیرنـد. یکی از تفاوت های اساسـی مکتب الهی با دیگر مکتب های بشری همین نکته است که در دیگر مکتب ها دیده نمی شود. خداوند در قرآن کریم الگوهای بسـیاری را در زمینه های گوناگون معرفی می کند. در همین راسـتا، با معرفی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به عنوان الگو و اسوه حسـنه، مسلمانان را به پیروی از آن حضرت فرامی خواند. از آنجا که دین اسلام، خاتم ادیان و پیامبر بزرگوار اسـلام، خـاتم پیـامبران است، ایشـان الگویی نمونه، جـامع و کامل در تمامی جنبه های زنـدگی برای همه انسان ها به شمار می رود.

از این رو، هر کس که خواسـتار برخورداری از فضایـل اخلاقی و رسـیدن به کمال و قرب الهی است، بایـد در مسـیری که آن حضـرت مشـخص کرده است، گـام بردارد. در غیر این صورت، کسـی که بی اسوه، طـالب سـیر است، راه به جایی نمی برد و طرفی نمی بندد؛ زیرا کمال طلبی بدون پیروی از اسوه، گمراهی است.

در پیمودن این راه، آگاهی از سیره رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله،

ص:۳

شرط نخست کمال جویی است و با چنگ زدن به این حبل متین، بصیرت لازم برای عمل ایمانی فراهم می گردد.

پژوهش حاضر تلاشی است برای آشنایی و آگاهی هرچه بیشتر شیفتگان و ره پویان حقیقت با قطره ای از دریای بی کران سخنان خاتم پیامبران در برخی موضوع های اخلاقی که در دو فصل اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تدوین شده است.

در پایان از تلاش های پژوهشگر ارجمند، خانم _اقبال حسینی نیا _سپاس گزاری می کنیم و امید می بریم این مجموعه نیز در برنامه های مربوط به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به کار اصحاب رسانه آید.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

لَقَدْ کانَ لَکُمْ فی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ. (احزاب: ۲۱)

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ما را رفیق و مونس شد

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت

به غمزه، مسئله آموز صد مدرس شد

رهبر فرزانه انقلاب، برای بازشناسی سیره رفتاری و گفتاری رسول اللّه صلی الله علیه و آله، سال ۱۳۸۵ را به نام مبارک ایشان آراست. ایشان با این ابتکار، از امت اسلامی خواست تا با به دست آوردن شناخت کامل تری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و عمل به آموزه های انسان ساز آن یگانه تاریخ، آن بزرگوار را برجسته ترین الگوی انسانی و اخلاقی به جهانیان معرفی کنند. بی تردید، آزادمردان جهان، این گوهر تابناک را در صدف وجود خود پاس می دارند و با به کاربستن آموزه های نورانی اش، روزنی به سوی خوش بختی دنیایی و آخرتی خود و دیگران می گشایند.

نوشتاری که پیش رو دارید، قطره ای از دریای سخنان خاتم پیامبران است که در هر واژه ای، آموزه ای متعالی و انسان ساز نهفته است که با عمل به آنها، اخلاق فردی و اجتماعی بهبود می یابد.

به راستی چگونه می توان از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سفیر سعادت آدمیان، پرده برداشت؟ امام حسن علیه السلام به _هند بن ابی هاله _فرمود: «چگونگی

سخن گفتن پیامبر را برای من بازگو کن.» وی گفت: «پیامبر همواره متفکر و محزون به نظر می رسید و لحظه ای آرام و قرار نداشت. بیشتر سکوت می کرد و جز به هنگام ضرورت، سخن نمی گفت. هنگام سخن گفتن از آغاز تا پایان به آرامی لب می گشود. سخنان او کوتاه و بدون تفصیل، و در همان حال، دربردارنده مقصود حضرت بود».(۱)

اساسا سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله چون گوهرهای تابناکی، چشم ها را خیره می سازد و هر کسی نمی تواند از باطن آنها باخبر شود. تنها کسانی که خود را به اوصاف والای ایشان آراسته و راهی به دریای معنویت یافته اند، توان بازگویی اندک آن را می یابند. شایسته است بارها هر یک از سخنان شیوای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که شفابخش ترین داروی جهان تشنه معنویت امروز است، بررسی شود تا ره توشه ای فراروی همگان باشد. در پایان، یادآور می شویم که در تفسیر سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، از آثار استاد بزرگوار ــرضا اصفهانی ــبهره ها برده ایم تا ره توشه ای مطمئن برای راهیان طریق الهی باشد.

غنچه ای از شاخسار مصطفی

گل شو از یادِ بهار مصطفی

از بهارش، رنگ و بو باید گرفت

بهره ای از خُلق او باید گرفت(۲)

ص:۶

۱- [۱] . محمدبن علی بن بابویه صدوق، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴، ص ۷۹.

۲- [۲] . اقبال لاهوری.

فصل اول: اخلاق فردی

۱- نیت پاک

برخی با اینکه به ظاهر، کارهای مفید و باارزشی انجام می دهند، ولی به سبب نیت بدی که دارند، آثار نیک اعمال خود را از میان می برند. اگر کسی بخواهد کارش ماندگار و ارزشمند باشد، باید از ریاکاری و خودنمایی بپرهیزد. کاری که از روی اخلاص و با نیت پاک انجام پذیرد، بر صفای باطن آدمی می افزاید و توفیق الهی نیز بیشتر شامل حال وی می گردد و به نعمت های مادی و معنوی فراوانی دست می یابد.

آنان که کردار نیک خود را با نیت بدشان خراب می کنند، انسان های زیان کاری هستند؛ زیرا کارهای خوب آنها بی پاداش می ماند و چه بسا به حساب دیگران نوشته می شود. این، اوج زیان کاری آنهاست، در حالی که اگر اخلاص داشتند و برای خدا کار می کردند، خیر دنیا و پاداش آخرت شامل حالشان می شد. پیامبر گرامی اسلام، نیت انسان را معیار سنجش اعمال می داند و می فرماید:

یا أَیُّهَا النّاسُ إِنَّمَا الْأَعْمالُ بِالنِّیاتِ وَ إِنَّما لِکُلِّ امْرِی ءٍ ما نَوی فَمَنْ کانَت هِجْرَتُهُ إِلَی اللّهِ وَ رَسُولِهِ فَهِجْرَتُهُ إِلَی اللّهِ و رَسُولِهِ وَ مَنْ کانَتْ هِجْرَتُهُ إِلی

دُنْیا یُصیبُها أَوِامْرَأَهٍ یَتَزَوَّجُها فَهِجْرَتُهُ إِلی ما هاجَرَ إِلَیْهِ.(۱)

ای مردم، بی گمان، اعمال در گرو نیت هاست. در حقیقت، برای هر کس، آن چیزی است که نیت می کند. پس هر که هجرتش برای خدا و رسول او باشد، به سوی خدا و رسول او هجرت کرده است و هر که هجرتش برای رسیدن به چیزی از دنیا یا ازدواج کردن با زنی باشد، هجرتش به همان چیزی است که به نیت آن هجرت کرده است.

بر این اساس، رسول رحمت به دوستانش سفارش می فرمود که در تمام رفتارهای خود، نیت های پاک را برگزینند تا بدان سبب، عمل خود را به خشنودی پروردگار نزدیک سازند. ایشان در سفارشی نیکو به ابوذر رحمه الله می فرماید:

یا أَباذر لِیَکُنْ لَکَ فِی کُلِّ شَیْ ءٍ نِیَّهٌ صالِحَهٌ حَتّی فِی النَّومِ وَ الْأَکُلِ.(۲)

ای ابوذر! باید در هر کاری، نیتی پاک داشته باشی، حتی در خوابیدن و خوردن.

۲- اُنس با قرآن

قرآن مجید، داروی شفابخش هر دردی است و خداوند بزرگ، آن را فرستاد تا از برکت آن، قلب انسان ها درخشش الهی یابد. خواندن قرآن به آدمی نیرو می دهد و قلبش را نورانی می کند، به گونه ای که در پرتو آن می تواند از جاده خطرها به سلامت گذر کند. تلاوت قرآن، برکت آور و عافیت بخش است. قرآن تنها کتاب آسمانی است که بی تحریف مانده و همه

۱- [۱] . علاءالدین متقی هندی، کنزالعمال، ح ۷۲۷۲؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۷ هـ . ق، ج ۱، ص ۹۰.

۲- [۲] . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۶۵۷۸.

واژه های آن را خداونـد متعال، بی کم و کاست برای سـعادت بشـر فرو فرسـتاده است. آدمی با خواندن قرآن، ارتباط ژرفی با خـالقش برقرار می کنـد. انس بـا قرآن، نیروی عجیبی به آدمی می بخشـد و هر چه این پیونـد بیشتر شود، نورانیت نیز افزون تر می شود.

انسـان هـای پـاک دل و باایمـان، عمرشـان را بـا ذکر خـدا و تلاوت قرآن می گذراننـد و از این راه، خود را به خـدای بزرگ نزدیک می سازند.

اگر می خواهیم روح ملکوتی داشته باشـیم و قلبمـان نورانی باشـد، بایـد بکوشـیم بیشتر با قرآن مأنوس شویم. مأنوس شـدن با قرآن سبب می شود به خدا نزدیک تر شویم و کارها و فکرمان و حتی نفس هایمان، رنگ خدایی بگیرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِتَعَلُّمِ القرآنِ و كَثْرَهِ تلاوَتِهِ؛ بر شما باد آموختن قرآن و بسیار خواندن آن».(۱)

آن حضرت در کلامی دیگر، حفظ قرآن را جلب کننده رحمت و نور الهی می شمارد و می فرماید:

حَمَلَهُ الْقُرْآنِ هُمُ الْمَحْفوفُونَ بِرَحْمَهِ اللّهِ الْمَلْبُوسُونَ بِنُورِ اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.(۲)

این حاملان (حافظان) قرآنند که در میان رحمت خدا و پوشیده به نور خداوند عزّوجل هستند.

۳- یاد خداوند

انسان مؤمن در هر حال و در شرایط گوناگون زندگی، باید به یاد خدا

۱- [۱] . همان، ج ۱۰، ص ۴۸۱۴.

۲- [۲] . همان، ص ۴۸۱۸.

باشد، نه آنکه هنگام گرفتاری و اندوه به خدا روی آورد و هنگام خوشی و رفاه، خدا را فراموش کند. بسیاری از انسان ها تنها هنگام گرفتاری ها، اهل نماز و دعا می شوند و خدا را یاد می کنند و از او می خواهند که گرفتاری هایشان را برطرف کند، ولی همین که گرفتاری شان برطرف شد و به خوشی دست یافتند، دیگر آن عهد و پیمانی را که با خدا بسته اند، به یاد نمی آورند. این رفتار مانند رفتار کسانی است که در پی توفانی سخت، در تلاطم امواج سهمگین دریا گرفتار آمده اند و درخواست کمک می کنند و آن گاه که با عنایت الهی پا به ساحل آرامش می گذارند، در پی عیش و نوش خویش می روند و دوران سختی را از یاد می برند.

یاد خداوند از جمله عبادت هایی است که انسان را از بندگان خاص خداوند می گرداند. پیامبر در پاسخ کسی که از ایشان پرسید: چگونه می توانم از بندگان خاص خداوند باشم؟ فرمود:

اَکْثِر ذِکْرَ اللّه ِ تَکُنْ أخَصَّ العبادِ الی اللّه تعالی.(۱)

خدا را زیاد یاد کن (در کارها و رفتارت پیوسته به یاد خدا باش). در این صورت، از بندگان ویژه خداوند خواهی شد.

رسول اعظم صلی الله علیه و آله در حدیث شریف دیگری، ذکر و یاد خداوند را شفای دل ها دانست.(۲)

نشاط در عبادت

۱- [۱] . همان، ج ۲، ص ۹۶۵.
۲- [۲] . همان، ص ۹۷۰.

نماز، ریسمان قرب انسان خاکی با خداوند متعال است. خداوند به آدمی اجازه داده است که در محضر او حاضر شود و با او سخن بگوید و به آرامش درون دست یابد. این آرامش هنگامی به دست می آید که حضور خداوند را در هنگام عبادت احساس کنیم. وقتی انسان در پیشگاه الهی برای پرستش و شکرگزاری می ایستد، باید با نشاط و شادابی و با توجه به اذکار و افعال، آن را به انجام برساند و با سستی و تنبلی عبادت نکند. متأسفانه برخی افراد وقتی سرگرم دادوستد، تفریح، هم نشینی با دوستان یا دیگر کارهای دنیایی هستند، هرگز احساس خستگی نمی کنند، ولی همین که به نماز می ایستند، گویا بار سنگینی بر دوش گرفته اند. از این رو، ذکرهای نماز را چنان با بی حالی ادا می کنند که انسان می پندارد اینان بیمارند.

چه زیباست که پیوند خود را با خدای خویش استوار سازیم و عبادت خود را به شوق روحانی و اخلاص بیاراییم. نماز بسان هدیه ای برای پروردگار است. آیا رواست که عبادت های خود را بدون توجه و حضور قلب و با بی نشاطی به خدای مهربان تقدیم کنیم؟

پیامبر گرامی همواره سفارش می کرد که هنگام عبادت، خدا را ناظر اعمال خویش بدانیم و به عبادت هایمان اهمیت بیشتری بدهیم. ایشان در سخنی می فرماید:

أُعْبُدِ اللّه َ کَأَنَّکَ تَراهُ فَإِنْ لَمْ تَکُنْ تَراهُ فَإِنَّهُ یَراکَ.(۱)

خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی؛ زیرا اگر تو او را نمی بینی،

ص:۱۱

۱- [۱] . کنزالعمال، ح ۵۲۵۰.

او تو را می بیند.

۴- نماز

در دین مبین اسلام مانند دیگر ادیان الهی، بر نماز به عنوان بهترین راه ارتباطی میان خلق و خالق، رکن اساسی دین و زیباترین جلوه بندگی تأکید فراوانی شده است. نماز، محبوب پیامبران و اولیای الهی است. برای نمونه، حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می خواست این نعمت انسان ساز، به آیندگان او نیز ارزانی شود: «رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلاهِ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی؛ پروردگارا! من و ذریه ام را برپادارنده نماز قرار ده». (ابراهیم: ۴۰)

نماز، عروج به مقام حضور در محضر الهی است. نماز، تعالی اخلاقی و معنوی به انسان می بخشد و او را از گمراهی و گناه و پستی و تسلیم در برابر طاغوت دور می سازد. کسی که بر خاک می افتد، از غرور و بلندپروازی دوری می جوید و در آن حال، سختی جان دادن، تنگی قبر، وقت حساب و دشواری قیامت را به یاد می آورد. چه زیباست که ما نیز با این قافله بندگی همراه شویم و جبین سپاس بر خاک بساییم و نیاز خود را در برابر بی نیاز مطلق اعلام کنیم.

چه خوب است که هنگام اذان، هم نوا با همه موجودات که به تسبیح گویی مشغولند، ادب تسلیم و بندگی به جای آوریم. اگر تاکنون در عبادت هایمان کوتاهی کرده ایم، با استغفار از درگاه الهی، راه مؤمنان راستین را در پیش گیریم و بدانیم که رحمت الهی همواره شامل حال بندگان صالح و نمازگزار خواهد بود. فراموش نکنیم که اهمیت دادن به عبادت، اهمیت دادن به فرمان

ص:۱۲

خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پاسداشت وقت نماز می فرمود:

حَسْبُ الرَّجُلِ مِنْ دِینِهِ کَثْرَهُ مُحافَظَتِهِ عَلی إِقامَهِ الصَّلَواتِ.(۱)

درباره دین داری مرد همین بس که بر گزاردن نمازها بسیار مراقبت کند.

۵- شب زنده داری

سحرخیزی و راز و نیاز با خدای مهربان، لذتی وصف ناشدنی به انسان می بخشد؛ لذتی که سراپای وجود آدمی را فرا می گیرد. انسان در مناجات با خالق متعال با تمام وجود در هستی او محو می شود و حالتی روحانی می یابد. مؤمنان، شب زنده داری و مناجات سحری را بسیار دوست دارند و برای رسیدن زمان آن، لحظه شماری می کنند. خداوند در قرآن مجید در وصف سحرخیزان می فرماید:

کانُوا قَلیلاً مِنَ اللَّیْلِ ما یَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحارِهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ. (ذاریات: ۱۷ و ۱۸)

آنها (پرهیزکاران) کمی از شب را می خوابیدند و سحرگاهان به درگاه خداوند متعال استغفار می کردند.

آواز ملکوتی مؤمنان خداجو، سکوت شب های تاریک را می شکند و همه چیز را در پرتو خود می گیرد. یکی از اعمال شب زنده داران، بر پا داشتن نماز شب است که مایه فخر و عزت مؤمن و چراغ روشنی بخش قبر است. تمام پیامبران و اولیای الهی ساعت هایی از نیمه شب را به شب زنده داری و راز و نیاز با معبود می گذراندند. باید ساعت ها و لحظه های پیش از طلوع فجر را غنیمت شمرد و از نسیم های رحمت خداوندی که در آن هنگام می وزد،

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۱۲۸.

برخوردار شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شب زنده داری را شیوه صالحان برمی شمارد و می فرماید:

عَلَیْکُم بِقِیامِ اللَّیْلِ فَإِنَّهُ دَأْبُ الصّالِحِینَ قَبْلَکُمْ وَ إِنَّ قِیامَ اللَّیْلِ قُرْبَهٌ إِلَی اللّه ِوَ مَنْهاهٌ عَنِ الْاءِثْمِ.(۱)

بر شما باد به شب زنده داری که شیوه شایستگان پیش از شماست و شب زنده داری مایه تقرب به خدا و بازداشتن از گناه است.

ایشان در سخنی دیگر، نماز شب را نماز برگزیدگان می داند و می فرماید:

مازالَ جَبْرَئِیلُ یُوصِینِی بِقِیامِ اللَّیْلِ حَتّی ظَنَنْتُ أَنَّ خِیارَ أُمَّتِی لَنْ یَنامُوا.(۲)

جبرئیل پیوسته مرا به شب زنده داری سفارش می کرد تا جایی که گمان بردم بهترین افراد امت من شب ها را هرگز نخواهند خوابید.

۶- روزه

روزه، فایده های جسمی و روحی فراوانی دارد. شفابخش جسم و توان بخش جان است. پاک کننده آدمی از رذیلت های حیوانی است. در ساختن فرد صالح و اجتماع بسامان، بسیار مؤثر است و در تهذیب نفس و رهانیدن انسان از روزمرگی ها و واماندگی ها تأثیر بسزایی دارد. انسان با روزه داری که بازداشتن نفس از خوردن و آشامیدن و برخی چیزهای دیگر است، در واقع با خواهش های نفسانی می جنگد و در برابر غریزه های کم ارزش مادی، مقاومت می کند و جان را از قید حکومت و سلطه هوس ها و خواهش ها می رهاند.

ص:۱۴

۱- [۱] . کنزالعمال، ح ۲۱۴۲۸.

۲- [۲] . محمد بن علی بن بابویه صدوق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۳.

انسـان روزه دار در پرتـو همیـن صـفا و پـاکی حاصـل از روزه، بـا خودآگـاهی کامـل، نه تنهـا دهـان و شـکم را از خـوردن و آشامیـدن، بلکه دست و پا و چشم و گوش و زبان و همه اعضای خویش را از حرام خـدا نگاه می دارد. ازاین رو، می تواند به درجه ای از تقوا برسد که حتی از اندیشه گناه نیز دوری گزیند و این، اوج نورانیت روزه است.

روزه، فریضه ای است که فرد مسـلمان را از غرق شـدن در مادی گرایی و آزمنـدی برای لذت های دنیا و از مسابقه دادن برای مصـرف گرایی و تن پروری می رهانـد. روزه به انسـان می آموزد که به فکر دیگران باشـد؛ بر خواهش هـای نفسـانی خویش چیره شود؛ به مصـرف به انـدازه قنـاعت ورزد و از اسـراف و تبـذیر بپرهیزد. پیـامبر گرامی اسـلام در سـخنی زیبا، برکات روزه داشتن را چنین برمی شمارد:

عَلَیکُمْ بِالصَّومِ فإِنَّهُ مَحْسمَهٌ لِلْعُروقِ وَ مَذْهَبَهٌ لِلْأَشِرِ.(۱)

بر شما باد به روزه گرفتن که آن رگ ها(ی شهوت) را می بُرد و سرمستی را می برد.

۷- یاد مرگ

مرگ، سرنوشت نهایی و حتمی همه آدمیان است و گریزی از آن نیست. هیچ کس نمی تواند مرگ را فراموش کند؛ چون هر روز در پیرامونش، مرگ بسـیاری از هم نوعـان خود را به چشم می بینـد. مرگ اطرافیـان، بهـترین عبرت و موعظه برای انسـان است. یاد مرگ، دل ها را نرم می کند و به آن صفا و

۱- [۱] . کنزالعمال، ح ۲۳۶۱۰.

نورانیت می بخشد. برای اینکه انسان، آخرین منزل گاه دنیایی خویش را از یاد نبرد، بهتر است هر از چند گاهی به گورستان ها برود؛ زیرا در آنجا کسانی آرمیده اند که در این دنیا از قدرت، ثروت، شوکت و زیبایی بسیار برخوردار بوده اند. رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام زندگی پیران، جوانان، توانگران و درویشان، آدمی را متوجه سرنوشت آینده اش می کند و درمی یابد همه داشته های مادی اش برای وارثانش بر جای می ماند و تنها ایمان و عمل صالح، هم نشین و همدمش خواهد بود. تا زمانی که دادگاه عدل الهی تشکیل شود و پاسخ گوی رفتار خود باشیم، باید از فرصتی که داریم، ذخیره ای ارزشمند برای خود فراهم آوریم و بر درجات خویش بیفزاییم. همچنین از کارهای ناشایستی که سبب شرمندگی و عذاب اخروی است، بپرهیزیم. گفته اند روزی پیامبر گرامی اسلام از کنار جمعی که صدای خنده شان بلند شده بود، گذشت و به آنان فرمود: مجلستان را با یاد تیره کننده لذت ها و خوشی ها آمیخته سازید. پرسیدند: تیره کننده لذت ها چیست؟ فرمود: (یاد) مرگ.(۱)

همچنین آن حضرت درباره فضیلت یاد مرگ فرمود:

هر کس در شبانه روز بیست مرتبه به یاد مرگ افتد، خداوند، او را با شهیدان محشور می کند.(۲)

۸- امید و ناامیدی

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۹۶۳.

۲- [۲] . همان.

میان زنـدگی و امیـد، پیوندی ناگسـستنی برقرار است. این دو چنان درهم تنیده اند که هر یک بدون دیگری ممکن نیست. هر جا که امید هست، زندگی هست و آنجا که امید نیست، زندگی معنا ندارد. امروزه بسـیاری از پزشـکان با استفاده از این اصل، با امیدبخشـی به بیماران، آنان را به زنـدگی امیـدوار می سازند و نشاط و دوام زندگی شان را فراهم می آورند. روان شـناسان نیز از همین اصل برای درمان کسانی که درصـدد خودکشـی برمی آیند، بهره می گیرند. این اصل در تمام هستی جریان دارد. پروانه ای که عاشقانه بر گرد گل ها می چرخد؛ موری که جسم های سنگین را کشان کشان برای آذوقه فصل سرما ذخیره می کند؛ ورزش کاری که هر روز با تمرین بیشتر، برای ارتقای کیفی و کمی کارش می کوشد و مادری که به فرزندش رسیدگی می کند، همه و همه با امید زنده اند.

اگر امیـد نبود، موجودات هیـچ گـاه مصـایب گونـاگون را تحمل نمی کردنـد. همه زمینیان با امیـد، به جنگ نابردباری ها می روند و مشـکلات را از میان برمی دارند. در حقیقت، بسـیاری از ناامیدی ها در نداشـتن ظرفیت وجودی لازم ریشه دارد. وقتی روح انسـان، کوچـک باشـد، بـا ناکامی در برخی موقعیت ها، می پنـدارد دیگر به خواسـته هایش نمی رسـد، در حالی که چه بسـیار راه ها پیش پای آدمی گشوده می شود که تصورش را نیز نمی کند. بنابراین، هر کس که می خواهد خود را از نومیدی برهانـد، بایـد پیش از هر چیز درصدد تقویت و بالا بردن ظرفیت وجودی خود باشد. آن گاه به مرحله ای خواهد رسـید که در مقابله با سـختی های بزرگ زندگی، پیروز خواهد شد. از نظر اسـلام، امیدواری از عوامل ادامه حیات شمرده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دراین باره

می فرماید:

أَلْأَمَلُ رَحْمَهٌ لِأُمَّتِی وَلَوْلَا الْأَمَلُ ماأَرْضَعَتْ والِدَهٌ وَلَدَها وَ لاغَرَسَ غارِسٌ شَجَرا.(۱)

امید (به آینده) برای امت من رحمت است. اگر امید نبود، هیچ مادری، فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی نشاند.

۹- آرزوی دراز

آرزوهای دور و دراز، نه تنها انسان را نیازمند دیگران می سازد، بلکه معنویت را از زندگی او می گیرد و چه بسا به پایین ترین مرتبه انسانی تنزل می یابد. آرزوی حکومت ری، _عمر بن سعد _را به سوی کربلا کشاند و سرانجام امام حسین علیه السلام را به شهادت رساند، ولی به حکومت ری نرسید و روز قیامت نیز حسرت فراوانی خواهد داشت.

امید داشتن به دست یابی به آرزوها، لذت بخش است، ولی آرزوهایی که با توجه به داشته ها و موقعیت های آدمی، امکان رسیدن به آنها مقدور باشد. بنابراین، هیچ گاه نمی توان خیال های واهی را در ردیف آرزوهای منطقی قرار داد. اساسا هر کسی بهتر از دیگران، از آرزوهای خود آگاه است. اگر آرزوها اصولی نباشد، آدمی در رؤیاهای دور و درازش غرق می شود و آن گاه قدرت حرکت را از دست می دهد. چنین کسی پیوسته در انتظار چیزی است که هرگز به آن نمی رسد و گاهی مرگ زودتر از آرزوها به سراغ او می آید.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، آرزوهای طولانی را موجب فراموشی آخرت می داند

ص:۱۸

۱- [۱] . همان، ج ۱، ص ۱۸۴.

و می فرماید:

إِنَّ أَخوَفَ ما أَخافُ عَلی اُمَّتِی الْهَوی وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا الْهَوی فَإِنَّهُ یَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمّا طُولُ الْأَمَلِ فَیُنْسِی الْآخِرَهَ.(۱)

ترسناک ترین چیزی که از آنها بر امت خود می ترسم، دو خصلت است: پیروی از خواهش های نفس و آرزوهای دراز؛ زیرا پیروی از هوا و هوس، آدمی را از حق بازمی دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد او می برد.

۱۰- انتظار فرج

از بایسته هـای فرهنـگ انتظـار، درک درست و همه جـانبه مفهوم انتظار است. در قاموس شـماری از منتظران، انتظار به معنای دست روی دست گـذاردن و همه چیز را به حـال خود رهـا کردن است تـا سـرانجام، امـام موعود با ظهور خویش، جهان را از فسـاد و تباهی برهانـد، ولی این انتظار، ویرانگر و به نوعی رفع تکلیف است. انسان با چنین برداشتی از مفهوم انتظار هرگز نمی تواند در جهت اصلاح گام بردارد.

درمقابل، منتظران واقعی با درک درست فرهنگ انتظار و فهم درست تکلیف، به عـدالت می اندیشـند. آنان از هرگونه سـتم و بی عدالتی گریزانند و با هدف فراهم آوردن زمینه های دادگری، در اصـلاح امور فردی و اجتماعی می کوشند. بر این اساس، شخص منتظر بـا آنکه مشـتاق دیـدار عـدالت گستر جهـان است، خود نیز به مسـئولیت هـایش آگاه است و برای دست یابی به آرمان های متعالی اش گام برمی دارد. چنین فردی به واسطه عشق به امام، سر

۱- [۱] . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه . ق، ج ۷۰، ص ۷۵.

از پای نمی شناسد و برای اجرای فرمان های او، همواره می کوشد و پیوسته در انتظار فرج است؛ انتظار فرجی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آن را برترین اعمال می شمارد و می فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتِی اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنَ اللّهِ عَزَّوَجلَّ.(۱)

برترین کارهای امت من، انتظار فرج و گشایش از سوی خداوند است.

۱۱- پیروی از دستورهای الهی

انسان خردمند و مؤمن هرگز خود را به گناه آلوده نمی سازد؛ زیرا می داند که عالم، محضر خداست و خواه ناخواه باید روزی در دادگاه عدل الهی حاضر شود و پاسخ گوی رفتارهای خود باشد. در این راستا، هیچ چیز بالاتر از انجام دادن فرمان الهی نیست و بی اعتنایی به دستورهای الهی به معنای مبارزه با ذات مقدس پروردگار است و پی آمدهای ناگواری دارد. برخی انسان های نادان و مغرور، از بندگی خدا سرپیچی می کنند و راه شیطان را برمی گزینند. آنان گستاخانه دستورهای الهی را زیر پا می گذارند و از هیچ گناهی شرم ندارند. آنان می پندارند عمری جاودانه خواهند داشت. خداوند در قرآن خطاب به این گونه افراد می فرماید:

کافران نپندارند مهلتی که به آنها داده ایم، به سود آنان است، بلکه این مهلت را از آن جهت به آنها داده ایم که بر بار گناه خود بیفزایند و عذاب دردناکی در انتظار آنان است. (آل عمران: ۱۷۸)

همچنین در سوره ابراهیم می فرماید:

گمان مکن که خداوند از رفتار ستم کاران بی خبر است و آنها را به سزای

۱- [۱] . همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

کارشان نمی رساند، بلکه جزای آنها را برای روزی که در آن، چشم ها از شدت هول و هراس خیره می ماند، به تأخیر انداخته است. (ابراهیم: ۴۲)

بنـابراین، بـا گردن فرازی و سـرپیچی از فرمـان هـای الهی نمی توان راه سـعادت را پیمود. تنها راه رسـتگاری، روی آوردن به درگاه خداونـدی و پیروی از دسـتورهای او است. همیشه بایـد در برابر دسـتورهای پروردگار تسـلیم بود و این عمل، به معنای عرض ادب به سـاحت آفریننـده جهانیان است. کسانی که در مقابل خداونـد گردن کشـی می کننـد، راه تباهی را در پیش می گیرند. پیامبر گرامی اسلام درباره عزت طاعت و بندگی می فرماید:

مَنْ خَرَجَ مِنْ ذُلِّ الْمَعْصِیَهِ إِلی عِزِّ الطّاعَهِ آنَسَهُ اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَیْرِ أَنِیسٍ وَ أَعانَهُ بِغَیْرِ مالٍ.(۱)

هر که از خواری گناه به سربلندی طاعت درآید، خداوند عزّوجلّ، بدون همدم، همدم او شود و او را بی ثروت، یاری رساند.

۱۲- محبت به اهل بیت علیهم السلام

پیونـد قلبی و ارتبـاط درونی بـا بزرگـان دین و شخصـیت های الهی، اشـباع کننـده انگیزه کمال جویی و الگوپـذیری در انسان است. کسـانی که دلی مالامـال از عشق به اهل بیت علیهم السـلام و اسوه های دینی دارنـد، در برابر امواج فساد و گرایش های منفی، مقـاوم ترنـد. محبت و عشق به اهـل بیت علیهم السـلام بایـد از مراحـل سـاده و عـاطفی آغـاز شود و در مراحل بعـدی با بصـیرت و شـناخت بیشتری نهادینه گردد. هرچه محبت و دل باختگی و پیونـدهای قلبی بیشتر باشد، هم رنگی و همراهی و هم دلی نیز بیشتر خواهد شد. انسان معمولاً شیفته کسی

ص:۲۱

۱- [۱] . همان، ج ۷۵، ص ۳۵۹.

یا چیزی می شود که گره از کار او بگشاید و اهل بیت علیهم السلامچون از مقربان درگاه الهی اند، می توانند شفیعان خوبی برای گره گشایی باشند. چنان که شیعیان از رهگذر توسل به این پاکان، بسیاری از نیازهای خود را برطرف کرده اند.

اهل بیت علیهم السلام از نظر علم، زهد، قدرت، فصاحت و بلاغت، شجاعت و سخاوت، عبادت و عرفان، زیبایی و جمال، مردانگی و گذشت و احسان، صبر و مقاومت از همه انسان ها برتر و بالاترند. انسان های دوست دار اهل بیت علیهم السلام می کوشند عشق صادقانه خود را با هم رنگی و هماهنگی با اهل بیت علیهم السلام همراه سازند. آنان باید کاری کنند که خوشایند اهل بیت علیهم السلام باشد و چنان رفتار کنند که مطلوب آنان باشد و راهی را بروند که آنان نشان داده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی به دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام می فرماید:

أَثْبَتُكُمْ قَدَما عَلَى الصِّراطِ أَشَدُّكُمْ حُبّا لِأَهْلِ بَیْتِی.(۱)

ثابت قدم ترین شما بر صراط، کسی است که محبتش به اهل بیت من بیشتر باشد.

۱۳- دانش اندوزی

مسلمان باید دانش هایی را که مورد نیاز او و جامعه است، فرا گیرد و تا آنجا که می توانـد، در آموزش آن به دیگران نیز کوشا باشد. دانش، گم شده هر مسلمانی است و او پیوسته در جست وجوی آن است. فرشتگان، بال و پر

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۶۶.

خویش را زیر پای کسانی می گسترانند که در پی علم آموزی اند. همچنین موجودات آسمانی و زمینی و حتی ماهیان دریاها برای چنین کسانی دعا می کنند و آمرزش می خواهند. اگر انسان در مدت کوتاه عمرش، در راه علم آموزی گام بردارد، می تواند جامعه را به سوی پیشرفت و خود را به سوی سعادت رهنمون شود. هدف از آفرینش آدمی، کسب معرفت و دست یابی به کمال است. ازاین رو، شایسته نیست انسان تمام عمر و توانش را صرف تأمین نیازهای مادی خود سازد، بلکه باید در پی کسب معرفت و دانش های سودمند باشد. البته دانشی سودمند و تأثیرگذار است که وسیله هدایت و خوش بختی انسان را فراهم آورد. دانشی که زمینه ساز انحراف انسان شود، نه تنها وسیله هدایت نیست، بلکه زمینه ساز گمراهی بشر است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

مَنِ ازْدادَ عِلْما وَ لَمْ یَزْدَدْ هُدیً، لَمْ یَزْدَدْ مِنَ اللّهِ إلاّ بُعْدا.(۱)

هر که علمش فزونی گیرد و هدایتش افزون نشود، جز بر دوری او از خداوند افزوده نگردد.

همچنین کلید دست یابی به دانش را در پرسش می داند و می فرماید:

أَلْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مَفاتِیحُهُ السُّؤالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَکُمُ اللّهُ فَإِنَّهُ یُؤْجَرُ أَرْبَعَهٌ: أَلسّائِلُ وَ الْمُتَکَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ.(۲)

دانش، گنجینه هایی است و کلیدهای آن پرسش است. پس خدایتان رحمت کند، بپرسید که با این کار، چهار نفر پاداش می گیرند: پرسشگر، پاسخ گو،

۱- [۱] . همان، ج ۸ ، ص ۴۰۱۴.
۲- [۲] . همان، ج ۵، ص ۲۳۱.

شنونده، و دوست دار آنان.

۱۴- اخلاص در علم آموزی

در مسئله تعلیم و تعلم، انگیزه علم آموزی از خود فراگیری دانش مهم تر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آلهدر کلامی فراگیر و جامع فرموده است: «نِیَّهُ الْمُؤْمِنِ خَیْرٌ مِنْ عَمَلِهِ؛ نیت مؤمن، بهتر از عمل اوست.»(۱) از دیدگاه اسلام، کار اخلاقی و ارزشمند کاری است که تنها برای خشنودی خداوند انجام شده باشد.

دانش پژوه باید از همان آغاز، در خالص سازی نیتش بکوشد و مراقب باشد تا ارزش علم در نظر او کم نشود. تعلیم و تعلمی که این اندازه اهمیت دارد، نباید با انگیزه های پستی چون رسیدن به مقام های دنیایی، کسب شهرت اجتماعی، جلب نظر و احترام مردم و کسب مال و شغل بهتر آلوده شود. اگر کسی با اخلاص در پی دانش گام بردارد، دارای منزلتی شایسته می گردد. به فرموده پیامبر، نشانه خلوص انسان در علم آموزی این است که:

هر دری از دانش که برای او گشوده می شود، خواری و خود کم بینی اش در برابر خود؛ فروتنی اش در برابر مردم؛ ترسش در برابر خداوند و تلاشش در امور دینی افزایش می یابد. چنین شخصی از علمش بهره می برد. پس شما نیز از دانش او بهره گیرید. کسی که برای به دست آوردن دنیا و منزلت نزد مردمان و موقعیت نزد حاکمان در پی تحصیل دانش باشد، هر دری از دانش که برای او گشوده می شود، خود بزرگ بینی اش در برابر خودش و مردم و غرورش در برابر خداوند و ستم کاری اش در حق دین افزایش می یابد. چنین

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۹.

فردی از علمش بهره ای نمی برد.(۱)

۱۵- سپاس گزاری

شایسته است انسان ها همواره سپاس گزار نعمت های خداوند باشند و سرِ بندگی در برابر الطاف الهی فرود آورند. پیرامون ما را نعمت های فراوان الهی فرا گرفته است و این نعمت ها هرگز به شماره نمی آیند. بعضی از انسان ها نه تنها سپاس گزار نعمت های الهی نیستند، بلکه زیاده خواه نیز هستند.

تا زمانی که نعمت های الهی در اختیار آدمی است، انسان، قدر آن را نمی داند، مانند نعمتِ امنیت، سلامت، عمر، والدین، چشم و زبان و گوش و دیگر اعضا، ولی وقتی در اثر حادثه ای، یکی از این نعمت ها از میان برود، آدمی درمی یابد که چه گوهر ارزشمندی را از دست داده است. ازاین رو، پیوسته در حسرت از دست دادن آن خواهد سوخت. پس شایسته است پیش از نابودی این نعمت های ارزشمند، قدر آنها را بدانیم و شکرگزار نعمت های الهی باشیم. شکرانه نعمت تنِ سالم، عبادت و خدمت گزاری به بندگان خدا و شکرانه نعمت ثروت مندی، دست گیری از محرومان است. بی گمان، شکر نعمت، نعمت ها را افزایش می دهد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

ما فَتَحَ اللّهُ عَلی عَبْدٍ بابَ شُکْرٍ فَخَزَنَ عَنْهُ بابَ الزِّیادَهِ.(۲)

خداوند، دری از شکر را بر روی بنده ای نگشود که دری از فزونی (نعمت) را بر روی او ببندد.

ص:۲۵

۱- [۱] . همان، ج ۲، ص ۳۴.

۲- [۲] . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۹۴.

۱۶- توکل

بسیاری از مردم به گونه ای زندگی می کنند که باوری به خدا و دخالت خدا در جهان ندارند. آنها به دلیل ناآگاهی و ضعف اعتقادی شان نمی دانند یا باور ندارند که سررشته تمام امور جهان در دست خداست. اگر خدا بخواهد کاری انجام نشود، اگر تمام عوامل هم دست به دست هم بدهند، آن کار انجام نخواهد شد و اگر بخواهد کاری انجام شود، هیچ قدرتی نمی تواند از آن جلوگیری کند. ازاین رو، آدمی باید همواره به پروردگارش دل بسپارد و تنها از او امید گره گشایی داشته باشد. با این کار، بسیاری از دشواری ها آسان خواهد شد. انسان های باایمان، هرگز به مردم تکیه نمی کنند، بلکه امید آنها نخست به خدا و سپس به تلاش و نیروی خودشان است. خداوند از انسان خواسته است تا امید خود را از غیر او بِبُرد و با توکل به عنایت الهی و با تلاش پی گیر، زندگی مادی و معنوی خویش را پربرکت سازد و هیچ گاه زیر منت غیرخدا قرار نگیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توکل و اعتماد بر غیرخدا را آغاز نکبت و بدبختی می داند و می فرماید:

یَقُولُ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ: ما مِنْ مَخْلُوقٍ یَعْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونِی إِلاّ قَطَعْتُ أَبْوابَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ دُونَهُ فَإِنْ دَعانِی لَمْ أُجِبْهُ وَ إِنْ سَأَلَنِی لَمْ أُعْطِهِ.(۱)

خداوند عزوجل می فرماید: هیچ مخلوقی نیست که به جای من، به مخلوقی

ص:۲۶

۱- [۱] . کنزالعمال، ح ۸۵۱۲ .

چنگ زند (تکیه کند)، مگر اینکه درهای آسمان ها و زمین را به روی او ببندم. پس چون مرا بخواند، جوابش ندهم و چون از من بخواهد، به او عطا نکنم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نفی تکیه بر غیرخدا فرمود:

لا تَتَّکِلْ إلی غَیْرِ اللّهِ فَیَکِلَکَ اللّهُ إِلَیْهِ.(۱)

به کسی جز خدا تکیه نکن که خداوند، تو را به همو وا می گذارد.

۱۷- بردباری

بردباری نشانه قوت اراده است؛ زیرا انسان شکیبا و بردبار در مقابل رخدادهای سهمگین و شکننده از خود ایستادگی نشان می دهد و به راحتی با پیشآمدهای ناگوار زندگی کنار می آید. صبر و حوصله در رسیدن به مقصود از عوامل مهم کام یابی است. اصولاً برای رسیدن به هر هدفی باید آرامش داشت؛ زیرا هیچ امری با شتاب زدگی به سامان نمی رسد.

یکی از اصلی ترین دلایل بردباری، شکستن خودبینی و خودمحوری است. شکیبایی به ما می آموزد که انتظار نداشته باشیم در زندگانی، همه امور بر وفق مرادمان باشد. صبر و بردباری؛ یعنی پذیرش مصلحت های پنهانی در سختی ها و گرفتاری ها. در پرتو صبر، انسان با گشایش روبه رو خواهد شد. بالا- بردن آستانه تحمل در برابر بلاها، ناخوشی ها و گناهان و آنچه موجب دشواری حرکت در مسیر تکامل آدمی است، بسیار کارگشاست. آدمی چه بسا در زندگی با مشکلات فراوانی روبه رو می شود. در این شرایط، افراد

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

بسیاری بر اثر شتاب در تصمیم گیری ها، جان و مال و آبروی خود را از دست داده اند و چه بسا اگر اندکی بردبار بودند، هیچ گاه با این همه پی آمدهای منفی روبه رو نمی شدند.

یکی از مصداق های ناملایمات در زندگی انسان، آزار دیگران است. در چنین وضعیتی انسان باید بردبار باشد. در دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مؤمنی که صبور است، بر دیگری که از این ویژگی بی نصیب است، برتری دارد. ایشان می فرماید:

أَلْمُؤمِنُ الَّذِی یُخالِطُ النّاسَ وَ یَصْبِرُ عَلی أَذاهُمْ أَفْضَلُ مِنَ المُؤْمِنِ الَّذِی لایُخالِطُ النّاسَ وَ لایَصْبِرُ عَلی أَذاهُمْ.(۱)

مؤمنی که با مردم می آمیزد و بر آزار آنان صبر می کند، برتر از مؤمنی است که با مردم نمی آمیزد و آزار آنان را تحمل نمی کند.

۱۸- آراستگی

زیبایی و آراستگی ظاهر، امری پسندیده است. از همین رو، دین اسلام از پیروانش می خواهد که همواره آراستگی ظاهری خود را حفظ کنند. خداوند در قرآن مجید می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ؛ بگو چه کسی زینت هایی را که خداوند برای بندگانش آفرید، حرام کرده است؟» (اعراف: ۳۲)

البته زیاده روی در خودآرایی و آراستگی نیز ناپسند است. این گونه زیاده روی می تواند خاستگاه بیماری وسواس شود. همچنین فرد را به خودپرستی و خودنمایی می کشاند.

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۵۲.

بایـد دانست زیبایی تنها در زیبایی ظاهری نیست، بلکه زیبایی معنوی و اخلاقی نیز یکی از مصداق ها و بلکه مهم ترین نمود و نشـانه آراستگی است. زیبـایی و آراسـتگی ظـاهر، تنهـا ظاهر افراد را زیبا می کنـد، ولی آراسـتگی به دانش و اخلاق، زیبایی معنوی و باطنی به آدمی می بخشد. از دیدگاه اسـلام، زیبایی جامع و کامل، به معنای آراستگی سیمای جسم و جان و صورت و معنـاست. همـان گـونه کـه رسـول اکرم صـلی الله علیـه و آله می فرمایـد: «هر که لباسـی می پوشـد، بایـد آن را پـاکیزه نگه دارد»،(۱) درباره آراستگی باطنی و بهترین زیور مرد می فرماید:

أَحْسَنُ زِینَهِ الرَّجُلِ السَّکِینَهُ مَعَ إِیمانٍ.(۲)

نیکوترین زیور مرد، آرامش همراه با ایمان است.

۱۹- نظم و انضباط

جهان بر پایه نظم اسـتوار است و هر پدیده ای در دسـتگاه آفرینش، جایگاهی ویژه دارد. سـیاره ها و اجرام آسـمانی با سـرعتی حسـاب شـده، در مـدار معیّنی حرکت می کننـد. فصل های سال و شب و روز با نظم شـگفت آوری در پی هم می آینـد و هر چیزی به اندازه فراخور آفریده شده است. اولیای بزرگوار اسـلام، رعایت نظم و انضـباط در کارها را از جمله مهم ترین مسائل زنـدگی برشـمرده و بر آن تأکیـد کرده انـد. بهره منـدی بهتر و بیشتر از زنـدگی و جلوگیری از هدر رفتن سـرمایه و اسـتعداد، نیازمند برنامه ریزی دقیق و رعایت

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۶ ، ص ۲۴۴.

۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۳۰۲.

نظم در تمامی فعالیت هاست. فردی که برای کارهای خود برنامه ای تنظیم کرده است و کارهای شخصی و اجتماعی اش را در زمان مشخصی انجام می دهد، بهره بیشتری از تلاش خود می برد. حاکم کردن نظم و انضباط در کارها سبب می شود که هر کاری بجا و به موقع انجام پذیرد و نتیجه بخش و سودمند باشد. بی نظمی در فعالیت های فردی و اجتماعی نیز پی آمدهای ناگواری دارد که ایجاد هرج و مرج، خدشه دار شدن شخصیت اجتماعی، پای مال شدن حقوق و هدر رفتن سرمایه ها از جمله آنهاست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اسوه نظم و انضباط بود و نظمی دقیق بر همه شئون رفتاری ایشان حاکم بود. برای مثال، وی صف های نماز را منظم می کرد و می فرمود:

سَوُّوا بَیْنَ صُفُوفِکُمْ وَ حاذُوا بَیْنَ مَناکِبِکُمْ لایَسْتَحْوِذْ عَلَیْکُمُ الشَّیْطانُ.(۱)

میان صف ها را پر کنید و دوش به دوش یکدیگر بایستید تا شیطان بر شما چیره نشود.

۲۰- غیرت مندی

یکی از ویژگی های انسان مسلمان، برخورداری از غیرت است. اگر انسان مسلمان غیرت نداشته باشد، به مسائل دینی و باورهایش حساسیت نشان نمی دهد و از شکسته شدن ارزش های دینی و اخلاقی به آسانی چشم می پوشد. چنین کسی به همه اصول انسانی و مذهبی بی اعتناست. انسانی که

۱- [۱] . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ه . ق، ج ۵، ص ۴۷۲.

از حریم فردی و خانوادگی خود دفاع کند، حریم دین و میهن خویش را نیز پاس می دارد.

در مقابل، کسانی نیز حریم های شخصی و ناموسی خود را پاس نمی دارند و حتی در مقابل بدحجابی زنان، دختران و اقوام خود واکنشی نشان نمی دهند، بلکه مباهات می کنند؛ زیرا آن را نشانه پیشرفت و تجدد می شمارند. پیامبر گرامی اسلام در ترغیب مردم به غیرت مندی، عامل این صفت پسندیده را خداوند می داند و از پیروانش می خواهد که با آراسته شدن به این زیور مردانگی و شرف، خداگونه شوند. ایشان می فرماید:

إِنَّ اللّه َتَعالی یَغَارُ و إِنَّ الْمُؤْمِنَ یَغَارُ وَ غَیْرَهُ اللّه ِ أَنْ یَأْتِیَ الْمُؤْمِنُ ما حَرَّمَ اللّه ُعَلَیْهِ.(۱)

به راستی که خداوند غیرت می ورزد و مؤمن (نیز) غیرت می ورزد. غیرت ورزیدن خداوند در جایی است که مؤمن آنچه را خدا بر او حرام کرده است، انجام دهد.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، غیرت را جزو ایمان می داند و می فرماید: «أَلْغَیْرَهُ مِنَ الْاءِیمانِ؛ غیرت بخشی از ایمان است».(۲)

۲۱- ورزش

در اندیشه دینی، انسان موجودی مرکّب از جسم و روح است و این دو چنان با یکدیگر پیوند دارند که هرگاه عاملی بیرونی یا درونی بر یکی تأثیر گذارد، دیگری نیز تأثیر می پذیرد. اسلام به سلامت جسم و روح توجه دارد

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۹، ص ۹۴۴۸۰.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۴.

و نشـاط و شادابی جسم و روح را با هم می خواهـد. اگر در زنـدگی انسان نشاط نباشـد، نه تنها از آن لـذتی نمی برد، بلکه از بسـیاری موفقیت ها نیز باز می مانـد. یکی از عوامل ایجاد شادابی و از میان بردن کسالت های درونی، ورزش است. با ورزش، روح انسان سبک بال می شود و شکوفه های استعداد و نوآوری و خیرخواهی نمایان می گردد.

ورزش، مـایه گشـایش خـاطر اسـت؛ خسـتگی هـا را از تن می زدایـد؛ غبارهـای انـدوه و نگرانی را از فکر و روح می شویـد و نیروهای درونی را تقویت می کند. انسان به برکت توانایی و سلامت روانی و جسمی بیشتری که از ورزش به دست می آورد، بهتر و راحت تر از عهـده انجام تکالیف و وظایفش برمی آید. برخی از ورزش ها مانند کشتی، روحیه جوان مردی، شـجاعت، حق طلبی و سـتم ستیزی را در انسـان پرورش می دهـد. برخی نیز همچون شـنا، تیرانـدازی و سوارکاری، بر مقاومت جسـمی و روحی آدمی در برابر شـرایط سخت زندگی و آسیب های اجتماعی می افزاید. رسول گرامی اسلام در سفارشی به ورزش می فرماید: «عَلِّموا اَوْلادَکُم السِّباحَهَ و الرِّمایَه؛ به فرزندانتان تیراندازی و شنا یاد دهید.»(۱) در سخنی دیگر نیز می فرماید:

أَلْهُو وَ الْعَبُوا فَإِنِّی أَکْرَهُ أَنْ یُری فِی دِینِکُمْ غِلْظَهٌ.(۲)

سرگرمی و بازی داشته باشید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما خشونت و سختی دیده شود.

۱- [۱] . پیام پیامبر، بهاءالدین خرمشاهی و مسعود انصاریتدوین و ترجمه، ص ۷۹۳.

۲- [۲] . نهج الفصاحه، ص ۱۰۵، ح ۵۲۱.

۲۲- پهلوانی

پهلوانی نشانه کمال آدمی است. داشتن روحیه پهلوانی، آدمی را در مقابله با ترس و ناکامی ها پیروز می سازد. البته شجاعت و پهلوانی در دو عرصه تجلی می یابد؛ یکی عرصه بیرونی و مبارزه با دشمنان دین و آیین است. در این وادی، تنها کسانی پیروزند که رهیده از وابستگی های درون و با تکیه بر ایمان به قدرت خداوند، آماده مبارزه با دشمنان بیرونی باشند.

در مقابل دشمن بیرونی، دشمن ترین موجود به انسان، در درون خودش جای دارد. رسول حق می فرماید: «أَعْدی عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتی بَیْنَ جَنْبَیْكَ؛ دشمن ترین دشمن تو، نفسی است که در وجودت قرار دارد.»(۱) پیروزی در این میدان و خارج کردن حسد و کینه و نفاق و دورویی از باطن بسیار اهمیت دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از این تلاش به «جهاد اکبر» تعبیر فرمود، در حالی که جهاد ظاهری را «جهاد اصغر» نام نهاد. این امر نشان می دهد هر کسی یارای مبارزه با رذیلت های اخلاقی اش را ندارد. تا زمانی که سربازان شیطان و نفس در درون آدمی رخنه کرده اند، نور رحمانی آن گونه که باید، به خانه دل آدمیان نمی تابد. رسول اعظم صلی الله علیه و آله، افرادی را که پیروز جهاد اکبرند، پهلوان واقعی نامید و فرمود:

إِنَّ الشَّدِیدَ لَیْسَ مَنْ غَلَبَ النّاسَ وَلکِنَّ الشَّدِیدَ مَنْ غَلَبَ عَلی نَفْسِهِ.(۲)

پهلوان کسی نیست که بر مردم چیره شود، بلکه پهلوان آن است که بر نفس

ص:۳۳

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۵۱۲.

۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۶۷۰۸.

خود چیر گی یابد.

۲۳- پرهیز از حرام خواری

حرام خواری افزون بر اینکه سرپیچی از دستورهای الهی است و جزو گناهان بزرگ به شمار می آید، سبب سنگ دلی می شود. از سوی دیگر، آثار منفی این رفتار زشت، بر فرزندان خانواده تأثیر می گذارد و آنان را از پاکی و لطافت روحی محروم می سازد. آیا زندگی چندروزه دنیا با فراوانی نعمت های پاک الهی به دست نمی آید که سراغ مال حرام برویم؟

کسانی که وارد گرداب حرام خواری می شوند، در حقیقت، شخصیت انسانی خویش را خوار می کنند و روح لطیف خود را اسیر گناهان می سازند. انسان تا وقتی به حرام خواری نپرداخته، از پاکی و قداست درونی برخوردار است، ولی چون به حرام خواری عادت کرد، آیینه روحش به ناپاکی ها آلوده می شود و خصلت های شیطانی در وجودش رشد می یابد.

یکی از مهم ترین وظایف مسلمان آن است که غذای حرام نخورد و به دیگران، به ویژه افراد خانواده اش نیز نخوراند. پی آمدهای خوردن غذای حرام هم در این دنیا و هم در آخرت گریبان گیر انسان خواهد شد و او را از کرده خود پشیمان خواهد ساخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله‌درباره ترک حرام خواری می فرماید:

تَرْکُ لُقْمَهِ حَرامٍ أَحَبُّ إِلَی اللّهِ مِنْ صَلاهِ أَلفَیْ رَکْعَهٍ تَطَوُّعا.(۱)

چشم پوشی از یک لقمه حرام، نزد خدا از خواندن دو هزار رکعت نماز

۱- [۱] . همان، ج ۳، ص ۱۱۲۶.

مستحبی، محبوب تر است.

۲۴- طمع ورزی

اگر طمع در نهاد کسی رخنه کند، پی آمدهای ناگواری خواهد داشت. چشم دوختن به مال مردم، فزون خواهی، پای مال کردن حقوق دیگران و رعایت نکردن حلال و حرام در دادوستدها از شاخ و برگ های پوسیده درخت طمع است. طمع و آزمندی، روحیه آزادمنشی در انسان را می میراند و شرافت آدمی را از او می ستاند. پس آنانی که در پی عزت و سربلندی هستند و نمی خواهند در به دست آوردن نیازهای غیرضروری شان زیر بار ذلت بروند، باید طمع را وانهند. افرادی که اسیر هوا و هوس خود هستند، هر چه را می بینند، بدون عاقبت اندیشی در پی آن می روند. آنان نمی اندیشند که چه چیزی را به دست می آورند و در مقابل، چه چیزی را از دست می دهند. ازاین رو، چه بسا از این رهگذر زیان روحی یا مادی فراوانی ببینند. طمع ورزان بارها خسران عمل خویش را از نزدیک دیده اند، ولی پند نگرفته اند و برای ارضای خواهش های نفسانی شان همان کار زیان آور را تکرار می کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طمع ورزی را نوعی تهی دستی می شمارد و می فرماید: «إِیّاکَ وَ الطَّمَعَ فَإِنَّهُ فَقْرٌ حاضِرٌ؛ زنهار از طمع که آن، تهی دستی نقد است.»(۱) ممکن است طمع دامن گیر افراد زیادی حتی عالمان نیز بشود که در آن صورت، حکمت را از دل آنها می برد. به فرموده رسول اللّه صلی الله علیه و آله:

۱- [۱] . کنز العمال، ح ۸۸۵۲ .

إِنَّ الصَّفاهَ الزُّلالِ الَّذِی لا تَثْبُتُ عَلَیهِ أَقْدامُ العُلَماءِ الطَّمَعُ.(۱)

آن تخته سنگ لغزنده ای که پای عالمان روی آن استوار نمی ماند، طمع است.

۲۵- قناعت

قناعت یکی از فضیلت های اخلاقی و سرچشمه برخی فضیلت های دیگر است. قناعت، آدمی را در دنیا سعادتمند و در آخرت سربلنـد می گردانـد. اگر انسان در دنیا به آنچه دارد و خداونـد برای او فراهم کرده است، قانع باشد و به مال دیگران حرص و طمع نداشته باشـد و رذیلت زیـاده خواهی و زیـاده طلبی را از خود دور کنـد، از سختی هـا و گرفتـاری هـایی که دنیاطلبان و آزمندان گرفتار آن هسـتند، رهایی می یابد و زندگی خواهد کرد. پیامبر گرامی اسـلام، قناعت را مایه آسان گیری در حساب رسی برمی شـمارد و می فرمایـد: «اِقْنَعْ بِمـا اُوتیتَهُ یَخِفَّ عَلَیْـکَ الحِسـابُ؛ به داشـته هـایت قـانع بـاش تـا حسـابت بر تو سبک شود.»(۲) همچنین در بیـان دیگر، بر پایـان ناپـذیری داشـته هـای قناعت گران تأکیـد می فرمایـد: «القَناعَهُ مالٌ لا یَنْفَـدُ؛ قناعت، ثروتی تمام نشدنی است».(۳)

۲۶- پرهیز از اسراف و تبذیر

یکی از آسیب هـای مهم فرد و جامعه، اسـراف و زیاده روی است که پی آمـدهای منفی در بعـد اقتصادی و اخلاقی دارد. در اصل، اسراف به معنای تجاوز از حدّ میانه است. آشکارترین پی آمد اسراف و تبذیر، هدر دادن

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۱۰.
۲- [۲] . همان، ج ۱۰، ح ۵۰۵۸.
۳- [۳] . کنزالعمال، ح ۵۰۵۴.

امکانات و منابع است. ممکن است از نگاه فردی، اسراف در کالاهایی همچون مواد غذایی و انرژی، ناچیز شمرده شود، در حالی که در سطح عمومی، خسارت های سنگینی به بار می آورد. بر اساس آموزه های دینی، اسراف و تبذیر از گناهانی است که نعمت را به نقمت و بلا تبدیل می کند و برکت را از میان می برد.(۱) در قرآن مجید در این باره آمده است:

خداوند، شهری را مَثَل زده است که در امنیت بود و روزی اش از هر سو فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به ایشان چشانید. (نحل: ۱۱۲)

بنابراین، یکی از مهم ترین تدبیرهای مؤثر برای موفقیت در زندگی، میانه روی در همه امور است. تجربه نشان داده است که افراد میانه رو هرگز دچار زیان های شدید نمی شوند و این واقعیتی است که تقریبا همه انسان ها درستی آن را در عمل پذیرفته اند. میانه روی آن است که انسان در همه امور، عاقلانه و منطقی عمل کند و از هرگونه افراط و تفریط برکنار باشد. تقویت ارزش هایی چون زهد، قناعت، میانه روی و مانند آن و مبارزه جدّی با هواپرستی، خودنمایی و فخرفروشی، شیوه های درمان اسراف است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امتش را به میانه روی در زندگی سفارش می کرد و می فرمود:

یا أَیُّهَا النّاسُ، عَلَیْکُمْ بِالْقَصْدِ، عَلَیْکُمْ بِالْقَصْدِ، عَلَیْکُمْ بِالْقَصْدِ.(۲)

ای مردم! بر شما باد به میانه روی؛ بر شما باد به میانه روی؛ بر شما باد به میانه روی.

۱- [۱] . شیخ صدوق، امالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ ه . ق، ص ۳۵۸.
۲- [۲] . همان، ج ۳، ص ۲۸.

میانه روی و پرهیز از اسراف در بُعد اقتصادی به معنای سخت گیری بر خانواده و فرزندان نیست، بلکه باید در صورت نیاز، هزینه کافی صرف شود. پیامبر با نکوهش کسانی که با وجود دارا بودن، بر اهل و عیال خود سخت می گیرند، می فرماید: «لَیْسَ مِنّا مَنْ وُسِّعَ عَلَیْهِ ثُمَّ قَتَّرَ عَلی عِیالِهِ؛ کسی که توان مالی دارد و بر خانواده اش سخت می گیرد، از ما نیست».(۱)

میانه روی در سیره معصومین علیهم السلام فراوان دیده می شود. این سخن رسول اللّه صلی الله علیه و آله را نیز هیچ گاه از یاد نبریم که فرمود: «أَلْاِقْتِصادُ فِی النَّفَقَهِ نِصْفُ الْمَعِیشَهِ؛ میانه روی [و پرهیز از اسراف] در هزینه زندگی، نیمی از زندگی است».(۲)

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۴۳ و ج ۱۵، ص ۲۵۶.

۲- [۲] . نهج الفصاحه، ح ۱۰۵۷.

فصل دوم: اخلاق اجتماعی

۱- گذشت

افراد کینه توز چون بر کسـی خشم می گیرنـد، هرگز وی را نمی بخشـند. این در حالی است که جوان مردی اقتضا می کند از تقصـیر او درگذرنـد و بـا این کار، زمینه هـدایت وی را فراهم آورنـد. افراد کینه توز به دلیل روحیه دشـمنی که در وجودشان هست، زنـدگی را بر خود و دیگران تلـخ می کنند و بیش از اینکه به دیگران آسـیب برسانند، روح و روان خود را می آزارند. چنین افرادی هیـچ گاه در میان مردم جایگاهی ندارنـد و مردم از آنان گریزاننـد. بی تردید، گذشت بسـیار ارزشـمندتر از کینه توزی است. عفوکنندگان همواره در دل انسان های آزاده جای دارند و رفتار آنها درس بزرگی برای رادمردان است. بنابراین، کسی که بدی می کند و سپس پشیمان می شود و عذر می خواهد، باید او را با آغوش باز پذیرفت و از خطایش درگذشت.

اگر می خواهیم در میان مردم، انسانی محبوب باشـیم، پیش از هر چیز باید گذشت داشـته باشیم؛ چون میان گذشت و محبوب بودن، پیونـدی اسـتوار برقرار است. بنـابراین، بایـد دل هـا را از کینه پاک کرد. وقتی انسان بزرگوار، رفتار بـدی از دیگری می بیند، باید با گذشت با او برخورد کند و وقتی که از

وی جدا شد، هیچ گونه کینه ای از او به دل نگیرد. با این نوع برخورد، بیش از همه، خود او به آرامش روحی دست می یابد. وجود کینه، روح انسانی را می میراند و از معنویت دور می سازد. باید سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را به کار بندیم که فرمود:

مُرُوءَتُنا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَنا وَ إِعْطاءُ مَنْ حَرَمَنا.(۱)

مردانگی ما خاندان رسالت، گذشت از کسی است که بر ما ستم کند و بخشش کسی است که از ما دریغ ورزد.

۲- خطاپوشی

یکی از صفات ارزشمند، ستّار بودن است. خداوند، پرده پوش است و با این کار، آبروی مردم را حفظ می کند. اگر قرار بود کارهای پنهانی بندگان برای همگان آشکار شود، بیشتر انسان ها بی آبرو و بی اعتبار می شدند. ما خود بهتر از همه می دانیم که چه خصلت های بدی در درون ما هست و نیز می دانیم که در طول زندگی، چه بسیار گناهانی را مرتکب شده ایم. بنابراین، اگر قرار بود اسرار درون ما برای دیگران فاش شود، هرگز نمی توانستیم در برابر دیگران سربلند باشیم. خداوند با پرده پوشی خود، ما را نزد دیگران، انسان هایی محبوب جلوه می دهد. اگر مردم از باطن رفتارهای ما باخبر بودند، هیچ گاه این خوش بینی و اعتماد را به ما نداشتند.

خدا، خطاپوش است و از بندگان هم می خواهد که پرده اسرار همدیگر را

۱- [۱] . ابومحمد حسن دانی بن شعبه، تحف العقول، تهران، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ هـ . ق، ص ۳۸.

پـاره نکننـد. بنـابراین، ما نیز بایـد در روابط اجتماعی و برخورد با دیگران این صـفت را در خود ایجاد کنیم و به محض خطای دیگران درصـدد بی آبرو سـاختن آنان نباشـیم. بیاییم خطاهای یکـدیگر را نادیـده بگیریم و آن را آشـکار نسازیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهمی فرماید: «لاتَخْرِقَنَّ عَلی اَحَدٍ سِتْرا؛ هرگز پرده اسرار دیگران را نَدرید».(۱)

۳- خویشتن داری

از بهترین صفاتی که نشان کمال انسان است و او را به درجات عالی می رساند، خویشتن داری در برابر خشم است. انسانی که از این ویژگی برخوردار است، می توانـد به راحتی، خشم خود را در برابر بـدی دیگران مهار کند. این کار نه تنها دلیل ناتوانی شخص نیست، بلکه از قدرت روحی و تسـلط بالای انسانی بر نفس خویش خبر می دهد. یکی از بزرگ ترین دشـمنان آدمی، خشم است. بعضی از مردم به دلیل دشمنی شان با شخصی، چنان رفتارهای کینه توزانه ای دارند که چشم و گوششان بسته می شود و کارهای نامعقولی از آنان سر می زند.

کمـتر کسـی را می تـوان یـافت کـه از افراد خشـن گریزان نباشـد. به همین دلیـل، بایـد در زنـدگی، نرم خـویی را پیشه کرد تا محبتمان در دل مردم جای گیرد. اگر انسان به هنگام خشم، نفس خود را مهار نکنـد، خشم او از فرمان عقل سـرپیچی می کند و انسـان را به کارهـایی وامی دارد که خلاف عقل، منطق، شـرع و انصاف است. خشم گرفتن، اثرهای ناشایستی نیز بر جسم و روح

ص:۴۱

۱- [۱] . نهج الفصاحه، ح ۲۴۳۱.

انسان می گذارد و سلامتی فرد را به خطر می اندازد. غفلت و کوتاهی در مهار خشم و غضب، چه بسا به کارهایی بینجامد که انسان، یک عمر از پی آمدهای ناگوار آن آزار ببیند.

پیامبر گرامی اسلام درباره مهار خشم می فرماید:

ما کانَ الرِّفْقُ فِی شَیْ ءٍ اِلاّ زانَهُ وَ لا کانَ الْخُرْقُ فِی شَیْ ءٍ اِلاّ شانَهُ.(۱)

نرم خویی در هر چه باشد، آن را می آراید و تندخویی در هر چه باشد، آن را زشت سازد.

ایشان در سخنی دیگر، خطاب به کسی که از ایشان توصیه ای خواسته بود، فرمود:

لا تَغْضَبْ، ثُمَّ أَعادَ عَلَیْهِ فَقالَ: لاتَغْضَبْ، ثُمَّ قالَ: لَیْسَ الشَّدِیدُ بِالصَّرْعَهِ إِنَّمَا الشَّدِیدُ الَّذِی یَمْلِکُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ.(۲)

خشم مگیر؛ باز هم او درخواست نصیحت کرد و پیامبر فرمود: خشم مگیر و سپس فرمود: زورمند آن نیست که پشت حریف را به خاک رساند، بلکه آن باشد که به هنگام خشم، خویشتن داری کند.

۴- آبروداری

یکی از فضیلت های اخلاقی که در روایات معصومین بر آن تأکید شده و از اهمیت و جایگاه بلندی برخوردار است، صیانت از عِرض و آبروی دیگران است. انسان های شرافتمند نه تنها آبروی خود را پاس می دارند، بلکه

۱- [۱] . تحف العقول، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۴، ح ۹۳.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۳.

می کوشند آبروی دیگران را نیز با جوان مردی حفظ کنند. اینان حاضرند برای به خطر نیفتادن آبروی دیگران، مال و جان خود را به خطر اندازند. این کار آنها درست برخلاف رفتار کسانی است که همواره دیگران را فدای مصالح مادی خود می سازند.

باید بدانیم که آبروی مردم، خمیرمایه زندگی آنهاست. یک انسان شرافتمند، هرگز حاضر نمی شود ارزنده ترین سرمایه اشخاص را از طریق تهمت یا غیبت یا عیب جویی از میان ببرد. اگر کسی با زبان، قلم یا رفتار خود آبروی هم نوع خود را بریزد، کاری ناجوان مردانه کرده است. بنابراین، انسان مسلمان باید برای پاس داشت آبروی خود و دیگران کوشا باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حفظ آبروی مؤمن را سپر آتش می داند و می فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ أَخیهِ کانَ لَهُ حِجابا مِنَ النّارِ.(۱)

هر که از آبروی برادر خود دفاع کند، این کار، حجابی میان او و آتش است.

ایشان در سخنی دیگر، بهشت را پاداش حفظ آبروی مؤمن می داند و می فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عِرضِ أَخِیهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّهُ الْبَتَّهَ.(۲)

هر که از آبروی برادر مسلمان خود دفاع کند، به یقین، بهشت بر او واجب می شود.

۵- احترام به والدین

یکی از عبادت هایی که بر آن بسیار تأکید شده، احسان به والدین است.

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۵۵۰.

۲- [۲] . همان.

نیکی به پـدر و مـادر چنـان مهم است که قرآن مجیـد پس از پرسـتش خـدای یکتا، بر آن تأکیـد ورزیـده است. کسـی که می خواهـد گره های کور زنـدگی اش گشوده شود و عمری با عزت زنـدگی کنـد و به سـعادت دنیا و آخرت دست یابـد، باید با تمام توان به پـدر و مادرش خـدمت کنـد و خشـنودی آنها را به دست آورد. البته فرقی نمی کند که پدر و مادر زنده باشـند یا نباشـند. اگر از دنیا رفته باشـند، بایـد همواره برای آنها خیرات و صـدقات داد؛ آنچه از حق اللّه و حق الناس بر گردن آنها بوده است، ادا کرد و همیشه دعا و آمرزش خواست. به تجربه نیز ثابت شـده است که هرکس با پدر و مادرش خوش رفتاری کند و حرمت آنهـا را پـاس دارد، فرزنـدان او نیز همین رفتـار را با او خواهنـد داشت. بنابراین، اگر در پی عاقبت به خیری و دوری از خشم الهی هستیم، باید با والدین خویش مهربان باشـیم. رسول گرامی اسلام، خشنودی خدا را در خشنودی پدر می داند و می فرماید:

رِضَا اللّهِ فِی رِضَا الْوالِدِ وَ سَخَطُ اللّهِ فِی سَخَطِ الْوالِدِ.(۱)

خشنودی خدا در خشنودی پدر است و ناخشنودی خدا در ناخشنودی پدر.

رسول رحمت، نیکی به والدین حتی پس از وفات آنها را سفارش می کرد. آن حضرت درباره نیکی کردن به پدر و مادر پس از مرگ آنان فرمود:

الصَّلاهُ عَلَیْهِما وَ الْاءِسْتِغْفارُ لَهُما وَإِنْفاذُ عَهْدِهِما مِنْ بَعْدِهِما وَ صِلَهُ الرَّحِمِ الَّتِی لاتُوصَلُ إِلاّ بِهِما وَ إِکْرامُ صَدِیقِهِما.(۲)

ص:۴۴

۱- [۱] . همان، ج ۱۴، ص ۷۰۹۲.

۲- [۲] . همان، ص ۷۰۹۴.

[نیکی به آنـان،] دعـا کردن برای آنهـا، آمرزش خواسـتن برایشـان، اجرا کردن وصـیت هایشـان پس از مرگ آنها، صـله رحم کردن با خویشان آنها و احترام گذاشتن به دوستان آنهاست.

۶- صله رحم

اسـلام بر اسـتواری پیوندهای خویشاوندی و اسـتحکام روابط خانوادگی تأکید فراوانی دارد و صله رحم و رسیدگی به بستگان را وظیفه ای دینی می شـمارد. رسـیدگی به خویشان آثار ارزنده ای در زندگی انسان دارد: سبب طول عمر می شود؛ روزی را زیـاد می کنـد؛ اخلاـق را نیکو می سـازد؛ اعمال را پاک و بلاها را برطرف می کنـد و آسانی حساب روز قیامت را در پی می آورد.

چنین روابطی در جهان غرب، بی ارزش تلقی می شود؛ بـدین معنا که فرزندان پس از رسـیدن به سن رشد، از پدر و مادر جدا می شونـد. این جدایی با سـردی روابط همراه است و پی آمدهای ناهنجاری دارد که از آن جمله می توان به وجود آسایشـگاه های سالمندان، پرورشـگاه ها و خوابگاه های شبانه روزی و افزایش روزافزون فرزندان بی عاطفه اشاره کرد که سبب بالا رفتن آمار قتل، جنایت و فحشا شده است.

متأسـفانه بر اثر رواج غرب زدگی، در بعضـی خانواده های کم تعهـد مسـلمان نیز شاهـد چنین رفتارهای نامناسبی هستیم. نباید رابطه انسان با خانواده اش قطع شود؛ زیرا این کار زمینه ساز خشم خدا و رسول می گردد. بکوشیم با صله رحم، اختلاف های خانوادگی را به مهر و دوستی تبدیل کنیم و روز به روز بر صـمیمیت خود بیفزاییم. باید در فراز و نشـیب های زندگی در کنار هم باشیم؛ افزایش فاصله ها را بهانه کاهش روابط خویشاوندی نشماریم و هنگام

رفت وآمدها، هزینه های پذیرایی را بالا نبریم تا فاصله زمانی ملاقات ها طولانی نشود. پیامبر گرامی اسلام درباره اهمیت پیوندهای خویشاوندی فرمود:

أُوصِی الشّاهِدَ مِنْ أُمَّتِی وَ الْغائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِی أَصْلابِ الرِّجالِ وَ أَرْحامِ النِّساءِ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ أَنْ یَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ کانَتْ مِنْهُ عَلی مَسِیرَهِ سَنَهٍ فَإِنَّ ذلِکَ مِنَ الدِّین.(۱)

به آنان که حاضرند و آنان که غایبند و آنان که از صلب های مردان و رحم های زنان تا روز قیامت به دنیا می آیند، سفارش می کنم که صله رحم کنند، گرچه مستلزم پیمودن یک سال راه باشد؛ زیرا صله رحم یکی از مسائل (مهم) دین است.

۷- احترام به سالمندان

در جامعه اسلامی، تمام افراد، شایسته تکریم و احترام هستند. در این میان، گروهی وجود دارند که نسبت به احترام و بزرگداشت آنان سفارش بیشتری شده است. پیران و سالخوردگان در شمار این گروهند. در حقیقت، تجلیل و احترام افراد پیر و سالخورده، احترام به خداوند متعال است. اینان کسانی هستند که عمری از فرزندان خویش نگه داری کرده اند؛ در حد توان بهترین خوردنی ها و پوشیدنی ها را برایشان فراهم ساخته و خود را به خاطر آنان به رنج های فراوان انداخته اند. آیا رواست آدمی با کسانی که به او محبت کرده اند، نامهربان باشد و به آنان بی اعتنایی کند؟

در قاموس هیچ دینی نیامده است که سالمندانی را که به عشق زیستن با

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۵.

نوه هایشان زنده اند، از آغوش گرم خانواده جدا سازند و آنان را در کنج تنهایی آسایشگاه ها به حال خود واگذارند. اگر در آسایشگاه ها، بهترین خوردنی ها و پوشیدنی ها را در اختیار سالمندان قرار دهند، با یک ساعت دور هم نشینی در خانواده برابر نخواهد بود. پیران گنجینه های تجربه اند. چرا با جدا کردن آنان از خانواده، راه انتقال تجربه ها را بر فرزندانمان ببندیم. پس بیاییم و به سفارش رسول رحمت، درباره بزرگ داشت مقام بزرگ سالان توجه کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهمی فرماید: «إِنَّ مِنْ إِجْلالِی تَوْقِیرَ الشَّیْخِ مِنْ أُمَّتِی؛ احترام به سالخورده امت من، احترام نهادن به من است».(۱)

۸- همسایه داری

درباره حق همسایه و رعایت حال ایشان، سفارش های فراوانی شده است. امام سجاد علیه السلام در _رساله حقوق_ خویش می فرماید:

حق همسایه بر تو این است که در نبود وی، متعلقات او را نگه داری و در حضورش، او را گرامی داری و در هر دو حال، یاور او باشی. هیچ گاه در جست وجوی اسرار او نباشی و نکوشی که بر عیب هایش آگاه گردی. اگر بر عیبی از عیب هایش آگاه شدی، بر آن عیب، دژی استوار و پرده ای ستبر باش؛ چنان که اگر سرنیزه ها در پی کشف آن عیب باشند، به آن نرسند. دزدانه سخن او را گوش مده. در سختی ها او را تنها مگذار. در نعمت بر او رشک مبر. لغزش ها و خطاهایش را نادیده بگیر و اگر درباره تو نادانی کرد، با او بردبار باش و با او کریمانه رفتار کن.(۲)

بنابراین، همسایه بر انسان حقوقی دارد که باید رعایت شود. یکی از

ص:۴۷

۱- [۱] . کنز العمال، ح ۶۰۱۳.

۲- [۲] . تحف العقول، ص ۲۶۶.

گناهان بزرگ، آزار همسایگان است. بی تردید، آزاردهندگان به همسایگان به دستور خدا و رسولش بی اعتنایند، در حالی که خشنودی همسایگان، آمرزش الهی را در پی دارد. رسول مهربانی می فرماید:

مَنْ ماتَ وَ لَهُ جیرانٌ ثَلاثَهٌ کُلُّهُمْ راضُونَ عَنْهُ غُفِرَ لَهُ.(۱)

هرکس بمیرد، در حالی که سه همسایه داشته باشد و همگی از او خشنود باشند، آمرزیده می شود.

ایشان درباره آزار نرساندن به همسایگان نیز فرموده است:

مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللّهِ و الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلا یُؤْذِی جارَهُ.(۲)

هر که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد، همسایه خود را نمی آزارد.

۹- مهمان داری

مهمان داری، افزون بر ارزش و ثوابی که در آخرت برای میزبان دارد، در پیوند صفا و صمیمیت میان مؤمنان نیز نقش بسزایی دارد. میهمان، هدیه ای گران بها است که خداوند به سوی نیکان می فرستد. شایسته است میزبان با گشاده رویی به استقبال مهمان برود و در مدت مهمانی، وسایل آسایش و آرامش او را فراهم آورد. شایسته است میزبان برای بازگشت میهمان زمینه سازی نکند، ولی اگر خودش تصمیم به رفتن گرفت، تا در خانه، او را بدرقه کند. مهمان در خانه میزبان، به طور طبیعی در خوردن غذا حیا می کند. ازاین رو، میزبان باید پیش از مهمان، غذا خوردن را آغاز کند و پس از او دست بکشد.

۱- [۱] . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۲.

۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، ص۶۶۷.

هر چند باید از هر نظر مهمان را گرامی داشت، ولی این بدان معنا نیست که انسان، خود را به سختی اندازد و بیش از حد توانش، خود را گرفتار سازد. حقیقت این است که برخی در این زمینه افراط و تفریط می کنند. از همین رو، گاهی دیده می شود که برای پذیرایی از مهمان چنان اسراف می کنند که گویی می خواهند همه امکانات خود را به یک باره خرج کنند، در حالی که مهمان داری از نظر اسلام باید چنان باشد که برای هیچ یک از دو طرف مشکلاتی ایجاد نکند. از سوی دیگر، نباید در پذیرایی از مهمان کوتاهی کرد. پیامبر گرامی اسلام در زمینه تکریم میهمان فرموده است:

مَنْ كان يُؤمِنُ بِاللّهِ وَ الْيَومِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ.(۱)

هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، باید میهمانش را گرامی بدارد.

ایشان در کلامی دیگر، پی آمدهای مثبت میهمان نوازی را چنین برمی شمارد:

أَلضَّيْفُ يُنْزِلُ بِرِزْقِهِ و يَرْتَحِلُ بِذُنوبِ أَهْلِ الْبَيْتِ.(۲)

میهمان، روزی خود را می آورد و گناهان اهل خانه را می برد.

۱۰- عیادت از بیمار

در مکتب انسان ساز اسلام، عیادت از بیمار و دیدار از او، اهمیت و ارزش ویژه ای دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها بر عیادت از بیمار به عنوان یک رفتار اخلاقی، انسانی و الهی تأکید کرده است. ایشان در تفسیر آیه «فَإِذا قُضِيَتِ

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۲۷۲.

۲- [۲] . همان؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۵۸، ح ۱۹۷۹۲.

الصَّلوهُ فَانْتُشِرُوا فِی ٱلْأَرْضِ» (جمعه: ۱۰)، عیادت بیمار را در ردیف رفتارهای ارزشمند اخلاقی آورد و فرمود: «منظور آیه (از پراکنده شدن در زمین) رفتن در پی کارهای دنیوی نیست، بلکه منظور، عیادت از بیمار، تشییع جنازه و دیدار برادر دینی در راه خداست».(۱)

عیادت از بیمار و دل جویی از او، به عنوان رفتار پسندیده اخلاقی و اجتماعی که با عواطف و احساسات درونی و فطری انسان نیز هماهنگ است، آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد؛ زیرا از یک سو، سبب تقویت روحیه بیمار می شود و از سنگینی بیماری جسم و جانش می کاهد تا سلامتی خود را زودتر بازیابد. از سوی دیگر، سبب می شود دل های افراد به هم نزدیک تر شود و برادری و هم دلی میان آنها افزایش یابد و به واسطه این رفتار الهی و انسانی، مشمول لطف و رحمت پروردگار قرار گیرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تأکید بر عیادت از بیمار، پاداش آن را در پیشگاه خدای متعال چنین یادآور می شود:

مَنْ عادَ مَریضا فَجَلَسَ عِنْدَهُ ساعَهً أَجْرَی اللّهُ لَهُ عَمَلَ أَلْفِ سَنَهٍ لایَعْصِی اللّهَ فیها طَرْفَهَ عَیْنٍ.(۲)

کسی که بیماری را عیادت کند و ساعتی نزد او بنشیند، خداوند، پاداش عمل هزار سال را که لحظه ای در آن معصیت نکرده باشد، به او ارزانی می دارد.

ازدواج

ص:۵۰

۱- [۱] . فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ هـ . ق، ج ۱۰، ص ۱۴.

۲- [۲] . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۹.

ازدواج و تشکیل خانواده از مهم ترین ضرورت های زندگی است؛ زیرا ارشمندترین موجود هستی؛ یعنی انسان، زاییده این میثاق مقدس است. خانواده، مهم ترین جایگاه پرورش انسان و محیط مناسبی برای رشد و تربیت به شمار می رود. زن و مردی که با پیمان ازدواج به همسری یکدیگر درمی آیند، در برابر همدیگر احساس مسئولیت می کنند. خداوند در قرآن، حضرت حوا را مایه آرامش حضرت آدم علیه السلامعرفی می کند و می فرماید: «وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها لِیَسْکُنَ إِلَیْها؛ از جنس خود او همسری آفرید تا در کنار او آرامش یابد». (اعراف:۱۸۹)

همچنین در آیه ای دیگر به آرامش خاطری که با ازدواج فراهم می شود، این گونه اشاره می کند:

وَ مِنْ ایاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْها.(روم: ۲۱)

از نشانه های رحمت الهی به شما آن است که از جنس خودتان همسری برای شما آفرید تا در سایه محبت او آرامش یابید.

البته ازدواجی می تواند چنین پی آمدهایی داشته باشد که زوج ها از نظر شأن اخلاقی ـ اجتماعی و باورهای دینی، هم سو باشند. در این صورت، چنین بنیانی زمینه ساز کمال روحی و آرامش حقیقی دو طرف خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در سفارشی می فرماید:

زَوِّجُوا أَیاماکُمْ فَإِنَّ اللّه َیُحْسِنُ لَهُمْ فِی أَخْلاقِهِمْ و یُوَسِّعُ لَهُمْ فِی أَرْزاقِهِمْ وَیَزِیدُهُمْ فِی مُرُوّاتِهِمْ.(۱)

بی همسران خود را همسر دهید؛ زیرا خداوند با این کار، اخلاق آنان را نیکو

ص:۵۱

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۵۰؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.

می گرداند و روزی هایشان را زیاد می کند و بر جوان مردی شان می افزاید.

۱۱– دوستی و هم نشینی

از دیدگاه اسلام، دوست، عنصری تأثیرگذار در تربیت و کمال انسان است. ازاین رو، هم نشینی با دوست شایسته برای پیمودن راه سعادت، نیازی اساسی به شمار می رود. اخلاق پسندیده و بسیاری از کمال ها و تجربه ها از راه این هم نشینی ها به دست می آید.

به همان اندازه که دوست شایسته در زندگی آدمی نقش سازنده دارد، رفیق ناباب نیز نقش ویرانگر دارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

یَوْمَ یَعَضُّ الظّالِمُ عَلی یَدَیْهِ یَقُولُ یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلاً یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلیلاً لَقَدْ أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ. (فرقان: ۲۷_۲۹)

انسان ستمگر در روز قیامت از شدت پشیمانی، دست های خود را به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم. وای بر من! ای کاش فلانی را به عنوان رفیق برنمی گزیدم. او مرا از یاد آوری [حق] گمراه ساخت.

بنابراین، در گزینش دوست باید دقت کافی داشت. دوست خوب می تواند کمک کار مادی و معنوی باارزشی برای انسان باشد. متأسفانه بسیاری از افراد معمولاً دوستان خود را در برخوردهای تصادفی کوچه و بازار و مدرسه و مهمانی ها می جویند. اینان پس از چند بار گفت و گو یا رفت وآمد چنان با هم گرم و صمیمی می شوند که گویی سال هاست با یکدیگر دوستند. این گونه دوستی ها ممکن است زیان های جبران ناپذیری متوجه آنان شود. پیامبر گرامی اسلام، نشانه های هم نشین شایسته را چنین معرفی می کند:

قالُوا (الْحَوارِیُّونَ لِعِیسَی علیه السلام) یا رُوحَ اللّه ِ فَمَنْ نُجالِسُ إِذا؟ قالَ مَنْ

يُذَكِّرُكُمُ اللّه‌ِ رُؤْيَتُهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكَمْ مَنْطِقُهُ وَ يُرَغِّبُكَمْ فِي الْاخِرَهِ عَمَلُهُ.(۱)

حواریون پرسیدند: یا روح اللّه ! پس با که هم نشین شویم؟ فرمود: با آن که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت تشویق کند.

۱۲- امر به معروف و نهی از منکر

اسلام، بی اعتنایی انسان ها در برابر رفتار دیگران را نمی پسندد و هرکس را به فراخور توانایی اش، در آنچه از دیگران سر می زند، مسئول می داند. هر مسلمانی وظیفه دارد از فرصت های به دست آمده در هم نشینی با دیگران برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بهره گیرد. در متون اسلامی، هیچ یک از عبادت ها به مانند امر به معروف و نهی از منکر، عامل برپایی و ضامن ماندگاری شریعت معرفی نشده است. اعضای جامعه انسانی با عمل به این دو فریضه، از پرتگاه سقوط رهایی می یابند و به اوج کمال پر می گشایند.

از دیدگاه اسلام، سرنوشت فرد و جامعه از هم جدا نیست و صلاح و فساد هر یک در دیگری مؤثر است. ازاین رو، هیچ کس نباید به این دلیل که خود به وظایفش عمل می کند، به کارها و سرنوشت دیگران بی اعتنا باشد. اگر منکرات و گناهان، آشکارا در جامعه رواج یابند و افراد در قبال آنها واکنش منفی نشان ندهند، پی آمدهای ناشایست آن دامن گیر همگان خواهد شد. کوتاهی کنندگان در این وظیفه دینی نیز به عذاب الهی گرفتار می شوند و در

۱- [۱] . تحف العقول، ص ۴۴.

ردیف گناه کاران به شمار می آیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

إِنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جلَّ لَیُبْغِضُ المُؤْمِنَ الضَّعِیفَ الَّذِی لادینَ لَهُ، فَقِیلَ لَهُ: وَ مَا الْمُؤْمِنُ الَّذِی لادِینَ لَهُ؟ قالَ: الَّذِی لا یَنْهی عَنِ الْمُنْکَرِ.(۱)

خداوند عزوجل از مؤمن ضعیفی که دین ندارد، نفرت دارد. عرض شد: مؤمنی که دین ندارد، کیست؟ فرمود: کسی که نهی از منکر نمی کند.

از سوی دیگر، باید شرایط اجرای امر به معروف کاملاً رعایت شود تا آبروی دیگران محفوظ بماند. متأسفانه گاهی برخی به این مسئله حساس بی توجه اند و هنگام امر به معروف یا نهی از منکر، آبروی دیگران را می برند که بسیار ناپسند است. در این مورد، خداوند نه تنها به آنان پاداشی نمی دهد، بلکه چه بسا بر آنها خشم گیرد. رسول گرامی اسلام درباره رعایت شرایط این دو فریضه مهم می فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَلْیَکُنْ أمْرُهُ ذلِکَ بِمَعْرُوفٍ؛ کسی که امر به معروف می کند، باید این کار را با شیوه خوبی انجام دهد».(۲)

۱۳- نصیحت

برخی گمان می کنند که تنها کوچک ترها به نصیحت شدن نیاز دارند. در صورتی که نصیحت کردن، به کوچک یا بزرگ اختصاص ندارد، و همه انسان ها در معرض اشتباه هستند. هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی نیاز بداند. بنابراین، به هنگام خطا یا اشتباه دیگران، باید به نصیحت و راهنمایی آنان بپردازد. البته در پند و اندرز باید مقام و شأن طرف مقابل را در نظر

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۵ ص ۵۹.
۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۱۶.

گرفت، به گونه ای که به آبروی او آسیبی نزنـد یـا او را به مقابله و سرسـختی وادار نکنـد. ازاین رو، شـیوه های پنـد و انـدرز متفـاوت است و بایـد تمـام شـرایط و زمـان و مکـان را سـنجید و آن گـاه طرف مقابـل را موعظه کرد. متأسـفانه برخی به بهانه اصـلاح دیگران، با آنها چنان رفتار می کنند که نه تنها تأثیر تربیتی و اصلاحی ندارد، بلکه آنان را عقده مند می کند. بنابراین، نصیحت مورد نظر اسلام، راهنمایی همراه با دل سوزی و حساب گری است.

اِنَّ أعظَمَ النّاسِ مَنزِلَهً عِندَ اللّه ِیَوْمَ القِیامَهِ أمْشاهُم فی أرْضِهِ بِالنَّصِیحَهِ لِخَلْقِهِ.(۱)

با منزلت ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بردارد.

رسـول اکرم صـلی الله علیه و آله، نصـیحت را تمـام دین می دانـد و می فرمایـد: «دین، نصـیحت و خیرخواهی است.» اصـحاب پرسـیدند: نصـیحت و خیرخواهی بایـد برای چه کسـی باشـد؟ فرمود: «برای خـدا، برای کتاب او، برای پیامبر او، برای پیشوایان مسلمانان و برای همه مردم».(۲)

۱۴- تجسس

برخی افراد همواره می کوشـند با پرس وجو از این و آن، از مسائل شخصـی دیگران آگاه شوند. این عادت زشت چه بسا مایه ایجاد کـدورت و اختلاف هایی میان طرفین شود. در قرآن مجیـد، تجسـس در کار مردم، همراه با غیبت و سوءظن به دیگران نکوهش شده است. خداوند با نهی

۱- [۱] . همان، ج ۱۳، ص ۶۲۹۴.

۲- [۲] . همان.

«ولاتَجَسَّسُوا،»(۱) همگـان را از این کـار زشت باز داشـته است. به راستی مسائل خصوصـی دیگران چه ارتباطی به ما دارد تا از آن آگاه شویم. آیا جز این است که هر کسی حریمی دارد و نمی خواهد دیگران از آن آگاه شوند؟ اگر کسی همین کار را با ما انجام دهد، با آنان چگونه رفتاری خواهیم داشت؟ بنابراین، بکوشـیم که هیچ گاه در جست وجوی رازهای شخصی دیگران نباشیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

إِنِّی لَمْ أُومَرْ أَنْ أَنْقَبَ عَلی قُلُوبِ النّاسِ وَ لاأَشُقَّ بُطُونَهُمْ.(۲)

من مأمور نیستم به دل های مردم راه یابم یا باطن آنها را بشکافم.

۱۵- گره گشایی

یکی از توفیق هایی که نصـیب برخی از انسان ها می شود، آن است که خداوند، نیازمندی های مردم را به دست آنان برطرف می کنـد و بـا واسـطه فیض قرار دادن آنهـا، گره از کار گرفتاران می گشایـد. انسان های باایمان تا آنجا که می تواننـد، در راه خـدمت به مردم و رفع نیازهای آنان تلاش می کننـد. آنان از خدمت به بندگان خدا لذت می برند و از این همه تلاش، نه تنها احساس خسـتگی نمی کنند، بلکه همواره شادابی ویژه ای در سـیمایشان دیده می شود. سینه های این پاک دلان همواره با این امید می تپد که شاید دل شکسـته ای را آرامش دهند و اندوهگینی را از غم و غصه برهانند. به راستی که این مهربانان، فرشـته های آسمانی اند که وجودشان همراه با خیر و برکت است و

ص:۵۶

۱- [۱] . حجرات: ۱۲.

۲- [۲] . نهج الفصاحه، ح ۹۶۱.

همواره در قلب مردم جای دارند. خیر رساندن به بندگان و گره گشایی از کار آنان، انسان را از خودخواهی و خودبینی بازمی دارد و به اخلاق الهی و ملکوتی آراسته می سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی زیبا، این افراد را در روز قیامت از عذاب خداوند ایمن دانسته و می فرماید:

إنَّ لِلّهِ عِبادا یَفْزَعُ إلَیْهُمُ النّاسُ فِی حَوائجِهِمْ أُولئِکَ هُمُ الْآمِنُونَ مِنْ عَذابِ اللّهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ.(۱)

خداوند، بندگانی دارد که مردم برای رفع نیازمندی های خود بدان ها پناه برند. آنان همان کسانی هستند که روز رستاخیز از عذاب خدا در امانند.

۱۶- سودمندی

انسان های باایمان همواره برای خدمت به مردم و برآوردن نیازهای آنان تلاش می کنند. آنان با این خدمت رسانی، خلق و خالق را شادمان می سازند. بی تردید، چنین افرادی همیشه مورد لطف خداوند رحیم هستند و در جهان آخرت نیز مقام و منزلتی والا دارند. کسانی که برای برآوردن نیاز بندگان خدا می کوشند، خداوند نیز به یاری آنان می شتابد. مردان خدا و خدمت گزاران به مردم، همیشه از خدمت به خلق خدا لذت می برند. آنان چنان با این کار انس گرفته اند که گویی هیچ گاه احساس خستگی نمی کنند و همواره در سختی ها و دشواری ها در کنار دیگران می مانند و با برکت وجودشان، به انسان های دیگر خیر و شادمانی می رسانند. چنین افرادی در قلب و ذهن مردم جایگاهی ماندگار دارند و پس از مرگ نیز با نام نیک از آنان یاد می شود.

۱- [۱] . تحف العقول، ص ۵۲.

نکته مهم در این زمینه آن است که خدمت رسانی به خلق خدا نباید آمیخته به ریا باشد. برخی با اینکه کارهای نیکی انجام می دهند و چه بسا در این راه بسیار زحمت می کشند، ولی در مقابل، نیکی هایشان را با ریاکاری و خودنمایی باطل می کنند. این افراد، نه تنها از خدمت رسانی به دیگران بهره ای نمی گیرند، بلکه در دادگاه عدل الهی به عنوان ریاکار مجازات می شوند؛ زیرا ریا نوعی شرک به خداست و شرک به خدا در رأس همه گناهان قرار دارد. در قیامت، به این افراد گفته می شود پاداش خود را از کسی بگیرید که برای او کار کرده اید.

همچنین بنا بر آموزه های دینی، وقتی زمینه انجام کار خیری فراهم است، معطل کردن و امروز و فردا کردن آن روا نیست؛ زیرا چه بسا بر اثر این تأخیر، فرصت انجام دادن کار برای همیشه از میان برود. انسان در اموری که خشنودی الهی در آن نهفته باشد، باید شتاب کند. ارزش واقعی هر کس به میزان فایده ای است که به دیگران می رساند. به طور طبیعی، هر کس خواهان ارزش بیشتری باشد، باید در راه خدمت به دیگران کوشاتر باشد.

اگر می توانیم نیاز کسی را برطرف کنیم، نباید لحظه ای درنگ کنیم؛ زیرا در غیر این صورت، پیش خدا و خلق خدا مسئول خواهیم بود. هر که بتواند با دست خود، گره از کار دیگری بگشاید، ولی این کار را نکند، در پیشگاه شرع و وجدان مسئول است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی درباره نیکی و خدمت به دیگران می فرماید:

جُبِلَتِ الْقُلوبُ عَلی حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْها وَ بُغْضِ مَنْ أَساءَ إِلَيْها.(۱)

دل ها بر محبت کسی سرشته است که به آنها خوبی کند و نیز بر نفرت از کسی استوار است که به آنها بدی روا دارد.

۱۷- قرض دادن

هنگام نیازمنـدی مالی برادران دینی و تقاضا کردن قرض، بایـد به کمک آنها شـتافت. خداونـد وعـده فرموده است که مال و دارایی قرض دهنده را چندین برابر کند و برکت بخشد. متأسفانه افرادی با وجود برخورداری از توانایی مالی، از دادن قرض به دیگران طفره می رونـد. بایـد دانست قرض دادن، توفیقی الهی است. کسانی که دشواری تقاضا را برخود هموار می کنند و به آدمی روی می آورنـد، در حقیقت، در توفیق را به روی او می گشاینـد و وی را در معرض امتحان الهی قرار می دهند. در این حال، انسان بایـد جوان مردی کنـد و با قرض دادن بخشـی از سـرمایه خود، کار برادر مسـلمانش را سامان بخشد تا بنا بر وعده الهی، برکت در مـال برایش فراهم آیـد. البته در بـازپس گرفتن قرض هم بایـد مراعـات کرد و چنـانچه امکـان دارد، تـا فراهم آمـدن امکان بازپرداخت، به قرض گیرنـده مهلت دهـد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله، پی آمـد قرض ندادن توانگر را چنین ترسیم کرده است:

مَنِ احْتاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِی قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللّه عَلَيْهِ رِيْحَ الْجَنَّهِ.(۲)

ص:۵۹

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۲۰۴؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۱.

۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۷۴.

کسی که برادر مسلمانش در قرضی به او نیاز پیدا کند و او در حال توانایی، چنین نکند، خداوند، بوی بهشت را بر او حرام گرداند.

۱۸- اصلاح و میانجی گری

اختلاف معمولاً در محیط های خانوادگی و اجتماعی، فراوان رخ می دهد. اگر این اختلاف ها با ظرافت خاصی حل نشود، چه بسا به اختلاف هایی ریشه دار تبدیل شود و زمینه ساز کینه ها و کدورت ها گردد. البته برای حل اختلاف، دو طرف باید برخوردی منطقی و عاقلانه داشته باشند و با گذشت و چشم پوشی، زمینه آشتی را فراهم آورند. بی شک، هیچ رفیق و همراهی را نمی توان یافت که درباره هم نشینان خود دچار خطا و لغزش نشده باشد.

اسلام، مسلمانان را به خاموش کردن آتش نزاع ها و کینه ها تشویق کرده است. معمولاً ـ در اختلاف ها، گاهی گذشت دو طرف دعوا و گاهی نیز دخالت منطقی شخص میانجی می تواند مشکل را حل کند. اصلاح میان مؤمنان چنان ارزش و اهمیت دارد که اگر نهاد ویژه و بودجه خاصی هم برای این هدف منظور شود، کاملاً ـ منطقی و بجاست. امام علی علیه السلام در وصیت نامه خویش، آشتی دادن میان مردمان را بهتر از سال ها نماز و روزه می داند.(۱) امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

اینکه میان دو نفر آشتی و صلح برقرار کنم، نزد من محبوب تر از آن است که دو دینار صدقه بدهم.(۲)

این احادیث در راستای آموزه نبوی است که می فرماید: «اِتَّقُوا اللّه ‌َوَ أَصْلِحُوا

۱- [۱] . نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، ص ۲۴۱.

۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

ذاتَ بَيْنِكُمْ؛ از خدا بترسید و جلوی اختلاف های همدیگر را بگیرید».(۱)

۱۹- سلام کردن به دیگران

سلام، تحیت ویژه و شعار شریعت اسلامی است. خداوند متعال با فراخواندن پیامبر اسلام به ادای این سنّت پسندیده می فرماید:

وَ إِذا جاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاياتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ.(انعام: ۵۴)

هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، (به آنها) سلام کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سلام کردن به مسلمانان پیش دستی می کرد و حتی به کودکان سلام می داد. سلام کردن در فرهنگ اسلامی، نشانه فروتنی است و روح برادری و صفا و صمیمیت را در جامعه اسلامی رواج می دهد. سلام کردن، کمترین اظهار محبتی است که هر مسلمان می تواند برای دیگران انجام دهد. مسلمان هرگز نباید به برادران دینی اش بی اعتنا باشد و از سلام کردن دریغ ورزد. رسول خدا صلی الله علیه و آلهدرباره ویژگی کوتاهی کنندگان در سلام دادن می فرماید: «اِنَّ أَبخَلَ النّاسِ مَنْ بَخِلَ بالسَّلامِ؛ بخیل ترین مردم کسی است که نسبت به سلام کردن بخل بورزد».(۲)

مسلمان در سلام کردن میان افراد فقیر و غنی نباید تفاوتی قائل شود، بلکه باید همه را به یک چشم بنگرد. در آموزه های اسلامی، هر چند سلام کننده با آغاز به سلام، بیشترین ثواب را می برد، ولی طرف مقابل نیز باید با رعایت ادب، پاسخ شایسته ای بدهد. قرآن مجید می فرماید:

۱- [۱] . نهج الفصاحه، ح ۴۹.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۴.

وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها. (نساء: ۸۶)

هر گاه کسی به شما سلام کرد، پاسخی نیکوتر دهید یا همان تحیت را به وی برگردانید.

به طور کلی، چون سلام کردن از شعارهای اسلامی است و مسلمانان بدان شناخته می شوند، همگانی شدن آن بنا به سفارش رسول اکرم صلی الله علیه و آله اهمیت ویژه ای دارد. روزی پیامبر به یارانش فرمود:

«آیا شما را از برترین اخلاق مردم دنیا و آخرت آگاه نسازم؟» گفتند: آری یا رسول خدا. فرمود: «سلام را همگانی کردن».(۱)

۲۰- گشاده رویی

گشاده رویی و حُسن خلق از صفاتی است که محبت و صمیمیت را میان افراد افزایش می دهد. خدای مهربان تمام پیامبران و سفیران هدایت خود را انسان های مهربان و خوش رو قرار داد تا دیگران به آنان گرایش یابند.

اسلام برای حسن خلق، ارزش فراوانی قائل است. شخص خوش اخلاق، اگر مؤمن هم نباشد، به دلیل برخورداری از این صفت نیکو، شایسته احترام خواهد بود. مؤمنان باید با یکدیگر خوش رفتار باشند و در برخورد با پیروان دیگر ادیان نیز اصل بر خوش رفتاری است. بنابراین، مسلمان باید بکوشد در برخورد و رفتار با دیگران، گشاده رو باشد، به گونه ای که مردم همیشه او را با چهره ای مهرآمیز به یاد بیاورند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

شخصی خدمت رسول خدا شرفیاب شد و از آن حضرت تقاضای نصیحت و

۱- [۱] . همان.

موعظه کرد. پیامبر در ضمن مواعظشان فرمود برادرت را با خوش رویی ملاقات کن.(۱)

پیامبر گرامی اسلام در تشویق مردم به آراسته شدن به این صفت نیک می فرماید:

أَکْثَرُ ما تَلِجُ بِهِ اُمَّتِی الْجَنَّهَ تَقْوَی اللّهِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ.(۲)

بیشترین امتیازی که امت من به سبب داشتن آن به بهشت می روند، تقوای الهی و خوش خلقی است.

۲۱- مزاح و شوخی

بی تردید، مزاح و شوخی تأثیر مثبتی بر روحیه انسان دارد و به رفع خستگی و ایجاد نشاط در آدمی می انجامد. البته به شرطی که شوخی ها متین و مؤدبانه باشد و مایه آزار دیگران نشود. متأسفانه برخی افراد، شرایط شوخی کردن را در نظر نمی گیرند و با مسخره کردن و آزار دیگران، زمینه های ناراحتی و دشمنی را فراهم می آورند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اینکه خود، شاخص ترین الگوی فضیلت های اخلاقی بود، گاهی با برخی افراد، شوخی های جالب و نمکین می کرد، ولی در شوخی هایشان جز شاد کردن دل های مردم و زدودن غبار غم از سیمای آنان، هدف دیگری نداشت. اسلام، شوخی و مزاح را برای انسان ها بسانِ داروی شفابخشی می داند که استفاده درست و بجای آن در کاستن نگرانی ها، تقویت

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۰.
۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۰.

پیوندهای دوستی و تسکین دردهای روانی سودمند است.

در مقابل، زیاده روی در مزاح، همواره نکوهش شـده و نشانه سبکی شخصیت به شمار آمده است. مزاحی که سبب رنجش دیگران یا موجب تمسخر افراد گردد، ناپسند است. پسندیده بودن شوخی، دلیل جایز بودن جسارت و بی ادبی نیست. نباید در هنگام شوخی، سخنان زشت، رکیک و دور از اخلاق اسلامی بر زبان انسان جاری شود. همچنین مزاح و شوخی نباید به صورت عادت همیشگی و افراطی درآید؛ زیرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کَثْرَةُ الْمِزاحِ یَذْهَبُ بِماءِ الْوَجْهِ؛ شوخی زیاد، آبرو را می برد.»(۱) البته این سخن به معنای نفی شوخی به طور کلی نیست؛ زیرا در سیره معصومین نیز شوخی و شاد کردن دیگران به چشم می خورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهمی فرماید: «إِنِّی أَمْزَحُ وَ لاأَقُولُ إِلّا حَقّا؛ من شوخی می کنم، ولی جز حق نمی گویم».(۲)

۲۲- خاموشی

سکوت و خاموشی از فضیلت های اخلاقی و حتی از عبادت های باارزش به شمار می آید. البته منظور از سکوت، خودداری کردن از سخنان بیهوده و هر سخنی است که امکان فتنه انگیزی در آن وجود دارد. اساسا اگر آدمی ساکت باشد تا از او تقاضای سخن گفتن کنند، بسیار پسندیده تر از آن است که سخن بگوید و دیگران از او بخواهند که ساکت شود. آنانی که می پندارند سکوت و خاموشی نوعی نقص است، سخت در اشتباهند.

۱- [۱] . شیخ صدوق، امالی، ص ۲۲۳.

۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۵۴۶.

زبـان، ابزاری است که بیش از دیگر اعضـا، انسـان ها را به گناه می آلایـد و گرفتاری هایی برایشان ایجاد می کنـد. چه بسـیار گفته هـا که برای انسـان پشـیمانی به بـار می آورد و انسـان آرزو می کنـد که ای کـاش آن را نگفته بودم. اگر زبان در اختیار آدمی باشد و سخنان ضروری و سنجیده بگوید، از بسیاری پی آمدهای منفی پرگویی در امان خواهد بود. پیامبر ختمی مرتبت صلی الله علیه و آلهمی فرماید:

عَلَیْکَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَهٌ لِلشَّیْطانِ وَ عَوْنٌ لَکَ علی أَمرِ دِینِکَ.(۱)

بر تو باد به خاموشی بسیار که شیطان را طرد می کند و در کار دینت، یاور توست.

۲۳- بدزبانی

از جمله نعمت های گران قدری که آفریدگار جهان به انسان بخشیده، قدرت بیان است. این نعمت ارزشمند به همان میزان که در تکامل آدمی مؤثر است، در صورت رهاشدگی، او را به سقوط و تباهی می کشاند. متأسفانه برخی عادت کرده اند که در سخنانشان، واژگان زشت و بی ادبانه به کار می برند و حتی چنان با این عادت بد خو گرفته اند که گویی مؤدبانه سخن گفتن برایشان دشوار است. از سوی دیگر، برخی نیز بر اثر هم نشـینی با اشـخاص بدزبان، چنان به دشنام گویی خو می گیرند که در دیدارهای عادی و احوال پرسی نیز سخنانشان را با واژگان زشت در هم می آمیزند.

بـدزبانی از صـفات نکوهیـده ای است که سبب می شود افراد بزرگوار، انسان را ترک گوینـد و فرومایگان گرد او را بگیرند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بهشت را بر

ص:۶۵

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۹.

بدزبانان حرام می داند و می فرماید:

إِنَّ اللّه ـ حَرَّمَ الْجَنَّهَ عَلی کُلِّ فَحّاشٍ بَذِی ءٍ قَلِیلِ الْحَیاءِ لایُبالِی ما قالَ وَ لا ماقِیلَ لَهُ.(۱)

خداوند، بهشت را بر هر بدزبان بی شرمی که باکی ندارد چه می گوید و چه می شنود، حرام کرده است.

۲۴- چاپلوسی

متأسفانه برخی به دلیل نداشتن آگاهی لازم، خوش رویی و رفتار نیکو را با چاپلوسی اشتباه می گیرند و به ناحق به ستایش دیگران می پردازند و شخصیت والای انسانی خود را بی ارزش می سازند و نام این کار ناشایست را حسن خلق می گذارند.

نشان افرادی که به این صفت زشت عادت کرده اند، آن است که در برخورد با تهی دستان، نرم خویی را از یاد می برند و چهره ای عبوس به خود می گیرند. چاپلوسی از ارزش انسان می کاهد و او را در نگاه دیگران بی مقدار و اعتمادناپذیر می سازد. کسی که به چاپلوسی عادت کرده است، حتی نزد کسی هم که برایش چاپلوسی می کند، شخصیت ندارد؛ زیرا هر چند او به خاطر این تملق ها به ظاهر به وی احترام می گذارد، ولی در حقیقت می داند به بهایی اندک، حیثیت انسانی خود را فروخته است. ازاین رو، وی را کم ارج می شمارد و با دیده حقارت به او می نگرد.

اسلام برای انسان، کرامت و شرافت قائل است و هرگز اجازه نمی دهد

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۳.

انسان، خود را خوار و پست سازد. ایمان هیچ گاه با چاپلوسی جمع نمی شود. چاپلوسی، گناه بزرگی است که خشم خدا را در پی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله دراین باره فرموده است:

إِذا مُدِحَ الْفاجِرُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ.(۱)

هرگاه شخص فاجری ستایش شود، عرش الهی می لرزد و خداوند خشمگین می شود.

۲۵- پرهیز از بیهوده گویی

پروردگار حکیم، انسان ها را از سخنان بیهوده و بی فایده برحذر می دارد و دوری از بیهوده گویی را نشانه کرامت انسان می داند و می فرماید:

وَ إِذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قالُوا لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لانَبْتَغِي الْجاهِلِينَ. (قصص: ۵۵)

و هرگاه سخن بیهوده ای بشنوند، از آن روی برمی گردانند و می گویند اعمال ما از آنِ ما و اعمال شما از آن خودتان. سلام بر شما. ما خواهان جاهلان نیستیم.

مؤمنان، خود را به سخنان بیهوده و گزاف مشغول نمی سازند و ارزش وقت خود و دیگران را نیک می شناسند و در برابر آن، احساس مسئولیت می کنند. در مقابل، گروهی فرصت های باارزش عمرشان را با شرکت در مجالس یاوه گویان یا گفتن و شنیدن سخنان پوچ و بی ارزش هدر می دهند. سخنان بیهوده، قلب را می میراند و آیینه روح را زنگاری می کند. انسان های مؤمن و خردمند از گفته های بیهوده می پرهیزند. پیامبر گرامی اسلام درباره

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۲.

ترک بیهوده گویی می فرماید: «مِنْ فِقْهِ الرَّجُلِ قِلَّهُ کَلامِهِ فِیما لایَعْنِیهِ؛ نشانه فهمیدگی مرد این است که کمتر سخن بیهوده می گوید».(۱)

۲۶- غیبت

آبروی هر انسانی، بزرگ ترین سرمایه او در زندگی است و غیبت، از گناهانی است که به طور مستقیم، شخصیت انسان ها را خدشه دار می سازد و فرد را در نظر دیگران بی ارزش می کند. گاه غیبت با تعبیرهای آشکار و گاه کنایی انجام می گیرد که هر دو ناپسند است. باید دانست همان گونه که غیبت کردن از گناهان بزرگ است، گوش دادن به غیبت و تأیید آن نیز از گناهان بزرگ معرفی شده است.

وظیفه مسلمان آن است که تا می تواند، در نبود برادر دینی اش از او دفاع کند و غیبت کنندگان را از بدگویی بازدارد و به وقت ضرورت، مجلس غیبت را ترک کند که این عمل نزد خداوند پاداش فراوانی دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده است:

مَنْ تَطَوَّلَ عَلی أَخِیهِ فِی غِیبَهٍ سَمِعَها فِیهِ فِی مَجْلِسٍ فَرَدَّها عَنْهُ رَدَّ اللّه ُعَنْهُ أَلْفَ بابٍ مِنَ السُّوءِ فِی الدُّنْیا وَ الْاخِرَه.(۲)

هر کس در مجلسی بشنود که از برادرش غیبت می شود و آن را از او دفع کند، خداوند، هزار در بدی را در دنیا و آخرت بر روی او می بندد.

اگر با داشتن توانایی بر یاری او، از غیبت شونده دفاع نکند، خداوند، او را

۱- [۱] . همان، ج ۲، ص ۵۵.
۲- [۲] . امالی، ص ۳۵۰.

در دنیا و آخرت کیفر خواهد کرد. غیبت مانند آتشی است که اعمال آدمی را نابود می کند و اعتماد افراد را به یکدیگر از میان می برد. علاوه بر این پی آمدها، غیبت سبب می شود، خداوند، عبادت های فرد را نپذیرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آلهفرمود:

مَنْ إغْتابَ مُسلما أو مُسلِمَةً لَمْ یَقْبَلِ اللّه ُصَلاتَه و لا صِیامَه أَرْبَعینَ یَوْما وَ لَیلَةً إلاّ اَنْ یَغْفِرَ لَهُ صاحِبُه.(۱)

هر کس فرد مسلمانی را (چه مرد و چه زن) غیبت کند، خداوند نماز و روزه چهل شبانه روز او را قبول نمی کند مگر اینکه غیبت شونده برای او آمرزش بخواهد.

۲۷- پرهیز از منفی بافی

برخی افراد به منفی بافی عادت کرده اند؛ بدین معنا که همواره در زندگی جنبه های مثبت کارها را نادیده می گیرند و در همه چیز اظهار نارضایتی می کنند و اگر با کار ارزشمندی روبه رو شوند، آن را بی ارزش جلوه می دهند. از منظر آنان هیچ کار مثبتی وجود ندارد یا نمی توان به دیده مثبت به آن نگریست. ازاین رو، منفی بافان از زندگی لذت نمی برند. جهان در نظر انسان بدبین، سراسر تاریکی است و هیچ نقطه روشنی در آن وجود ندارد. این نگرش، نوعی بیماری روحی است که هر چه سریع تر باید از آن رهایی یافت.

فرد مؤمن باید در زندگی و رفتار با دیگران، خوبی ها و بدی های هر کاری را در نظر بگیرد و سپس درباره آن تصمیم گیری کند. ازاین رو، اگر

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۳۲۸.

مشاهده کرد فردی کاری انجام داده که در نظر او کار زشتی است، باید با مثبت نگری تا جایی که می تواند، رفتار برادر خود را توجیه کند. رسول گرامی اسلام در این زمینه می فرماید:

أُطْلُبْ لِأَخیکَ عُذْرا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ لَهُ عُذْرا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرا.(۱)

برای گفتار و کرداری که از برادرت سرمی زند، عذری بجوی و اگر نیافتی، عذری بتراش.

۲۸- خود بزرگ بینی

برخی همواره خود را بالا-تر از دیگران می دانند و با مردم، متکبرانه برخورد می کنند. چنین افرادی در جامعه و نزد مردم جایگاهی ندارند.

افراد خودبزرگ بین تا قدرتی می یابند، دچار غرور و بزرگ بینی می شوند و از حد خود فراتر می روند. اینان نمی دانند در پی اوج گیری های مادی، همواره سراشیبی نابودی در انتظار آنان است. ازاین رو، نباید از گردش روزگار غافل باشند. افراد متکبر حاضر نیستند با زیردستان هم نشین شوند؛ چون تصور می کنند از دیگران برترند. اینان وقتی به مقامی می رسند، یک باره خود را گم می کنند و چنان از دیگران فاصله می گیرند که گویا همان ها نیستند که تا دیروز در کنار مردم می زیستند. آنان به بهانه های مختلف، صف خود را از دوستان و آشنایان دیروز جدا می کنند و نشست و برخاست با آنان را در شأن خود نمی دانند، ولی باید بدانند که روزگار چرخش های دیگری نیز پیش رو دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَمْقَتُ النّاسِ الْمُتَکَبِّرُ؛ منفورترین مردمان

ص:۷۰

۱- [۱] . همان، ج۷، ص ۳۳۹۲.

شخص متکبر است».(۱)

۲۹- حسادت

شخص حسود پیوسته در رنج و در حال نقشه کشیدن برای دیگران است. درحقیقت، او دچار نوعی بیماری روحی است. بیماری های روحی و اخلاقی، بر جسم نیز اثر منفی می گذارند و ناراحتی های گوناگونی پدید می آورند.

حسادت نوعی بیماری اخلاقی و روحی است که انسان را نگران و ناآرام می کند و در پی آن، ضعف اعصاب و دیگر مشکلات جسمی و روحی به سراغ انسان می آید و اندوخته های آدمی را به آتش می کشد. برخی از انسان های تنگ نظر و حسود، وقتی دیگران را از نعمتی خدادادی برخوردار می بینند، بر اثر حسادت، به طراحی نقشه های موذیانه ای دست می یازند. چنین افرادی از زیان وارد آمدن به دیگران احساس رضایت می کنند و خشم خود را با زیان دیدن دیگران فرو می نشانند. حسودان بر اثر این صفت ناپسند، ایمان خود را از دست می دهند و همان گونه که آتش دنیوی، هیزم را می سوزاند، آتش حسادت، مال و جان و ایمان این افراد را در لهیب سوزان خود فرو می برد. پس به جای اینکه از نعمت های خدادادی به دیگران ناراحت شویم، از خدا بخواهیم که روزی ما را نیز زیاد کند. از پیامبر گرامی اسلام روایت است که خداوند متعال به موسی بن عمران فرمود:

فَإِنَّ الْحاسِدَ ساخِطٌ لِنِعَمِی صادٌّ لِقَسْمِیَ الَّذِی قَسَمْتُ بَیْنَ عِبادِی.(۲)

ص:۷۱

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۳۱.

۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.

همانا حسود از نعمت های من ناراحت است و از قسمتی که برای بندگانم مقرر داشته ام، روی می گرداند.

۳۰- وفا به عهد و پیمان

متأسفانه امروزه بازار قول و قرار بستن و خلاف آن رفتار کردن، در بسیاری از کارها مرسوم شده است، در حالی که وظیفه دینی حکم می کند آدمی به عهد و پیمان خود پای بند باشد.

وقتی انسان با کسی پیمان می بندد یا با کسی قول و قراری می گذارد، باید به پیمان و قرارش وفادار باشد. عمل نکردن به عهد و پیمان، خلاف اخلاق اسلامی و وجدان انسانی است و سبب نارضایتی مسلمانان از یکدیگر و از هم گسیختگی آنان می شود. پیمان شکنی نشانه بی نظمی و بی انضباطی در زندگی است. کسی که به پیمان وفادار نیست، معمولاً به دستورهای دینی و وجدانی نیز بی اعتناست. پس بکوشیم هماره بر عهد و پیمان خویش پای بند باشیم.

یکی از ویژگی های مؤمنان حقیقی آن است که به وعده های خود وفا می کنند. احترام به پیمانی که انسان با دیگران می بندد، احترام به شخصیت خود اوست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پای بندی مسلمانان به عهد و پیمانشان می فرماید: «أَلْمُسْلِمُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ فِيما أُحِلَّ؛ مسلمانان به شرط های حلال و روای خود، پای بندند.»(۱) همچنین در کلامی دیگر، پیمان شکنان را چنین نکوهش می کند: «لادينَ لِمَنْ لاعَهْدَ لَهُ؛ کسی که پیمان شکن باشد، دین ندارد».(۲)

ص:۷۲

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۱۰۰.

۲- [۲] . همان، ص ۴۱۰۲.

۳۱- پرهیز از کم فروشی

زنـدگی چنـدروزه دنیا، ارزش چندانی ندارد که انسان، خود را به مال حرام آلوده سازد. کسانی که خود را به مال حرام آلوده می سازند، در حقیقت، روح خود را اسـیر شـیطان و گناهان می سازند. انسان تا زمانی که دچار حرام خواری نشود، از پاکی و قداست برخوردار است، ولی چون به حرام خواری عادت کند، آیینه روحش به ناپاکی آلوده می شود و صفای باطنش از میان می رود.

یکی از مصـداق هـای حرام خواری در دادوسـتد، کم فروشـی است. کم فروشـی یعنی اینکه فروشـنده، پول را به طور کامل از مشتری بگیرد و جنس را کمتر از میزان مقرر به او بدهـد. آدم کم فروش گمان می کند با این کار بر سـرمایه خود می افزاید و زنـدگی بهتری برای خود و خانواده اش فراهم می کنـد، ولی نمی دانـد که خیر و برکت به دست خداونـد است و خداونـد در مال حرام، خیر و برکتی قرار نـداده است. در مقابل، کسانی که برای تأمین زندگی خود و خانواده شان با نیت پاک به کسب و کـار آبرومنـدانه ای مشـغولند، در حقیقـت، بـه یکی از بزرگ ترین عبـادت هـا می پردازنـد. پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله، کاسب راست گو را هم نشین شهیدان می شمارد و می فرماید:

أَلتّاجِرُ الْأَمِینُ الصَّدُوقُ الْمُسْلِمُ مَعَ الشُّهداءِ یَوْمَ القِیامَهِ.(۱)

کاسبِ درست کارِ راست گوی مسلمان، در قیامت با شهیدان است.

حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

هنگامی که کم فروشی میان مردم رواج یابد، خداوند، آنان را به خشک سالی

ص:۷۳

۱- [۱] . کنز العمال، ح ۹۲۱۶.

عذاب می کند و برکت را از میان آنان برمی دارد.(۱)

۳۲- وجدان کاری

کارهایی که به ما واگذار شده، امانت هایی است که به انجام دادن شایسته آنها متعهد هستیم. داشتن وجدان کاری در فعالیت های اجتماعی سبب پیشرفت کارها می گردد. کسانی که همواره نسبت به وظایفشان کم کاری می کنند، آسیب های جبران ناپذیری به خود و اجتماعشان وارد می سازند. اینان با این خصلت، لقمه خود را شبهه ناک می کنند و از نظر اجتماعی، چرخه کار جمعی را از حرکت بازمی دارند و اعتماد عمومی را از میان می برند. شاید یکی از دلایل نبود اقبال عمومی به مصرف برخی کالاهای داخلی همین کم کاری ها و انجام ندادن درست مسئولیت ها باشد.

حضرت علی علیه السلامبه خیاطی که کم کاری می کرد، فرمود:

ای خیاط! مادرت به عزایت بنشیند! نخ ها را سفت و محکم کن؛ درزها را کوچک بگیر؛ کوک ها را نزدیک به هم بزن؛ زیرا من از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «خداوند در روز واپسین، خیاط خیانت پیشه را در حالی محشور می کند که لباسی که خود آن را دوخته و در آن خیانت روا داشته، بر تن کرده است.» (در ادامه فرمود:) اضافه های پارچه را برندارید؛ زیرا حق صاحب لباس است و دست ها به آن آلوده نگردد که سبب مجازات الهی خواهد شد.(۲)

همچنین کسانی که در فعالیت های اداری، در حضور رئیس یا مدیر ناظر،

۱- [۱] . الامالی، ص ۳۵۸.
۲- [۲] . میزان الحکمه، ج ۳، ص ۳۳۰.

وظیفه خود را به درستی انجام می دهند، ولی زمانی که احساس می کنند کسی آنها را نمی پاید، تنبلی و سستی و کم کاری می کنند، وجدان کاری ندارند. محکم کاری به عنوان یکی از مصداق های وجدان کاری، یکی از جلوه های روشن سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهاست. ایشان در سخنی نورانی می فرماید:

اِنَّ اللّه َ تَعالی یُحِبُّ إِذا عَمِلَ أَحَدُکُمْ عَمَلاً أَنْ یُتْقِنَهُ.(۱)

بی گمان، خداوند دوست دارد وقتی یکی از شما کاری را انجام می دهد، آن را محکم و استوار به انجام رساند.

۳۳- رعایت حقوق افراد

انسان موجودی اجتماعی است و در کنار دیگر هم نوعانش به صورت گروهی زندگی می کند. تداوم زندگی اجتماعی نیز در گرو پیوندی نیرومند میان اعضای جامعه از طریق محبت، تفاهم و احترام متقابل است. ازاین رو، آدمی در زندگی اجتماعی خود ناگزیر است آنچه را از مردم انتظار دارد انجام دهند، خود، به رعایت آن پای بند باشد و با مردم آن گونه رفتار کند که توقع دارد با وی رفتار شود.

انسان باید این نکته را همیشه در نظر داشته باشد که حقوق دیگران نیز باید رعایت شود. اسلام به حقوق اجتماعی بسیار اهمیت داده است و احکام اجتماعی، بخش بزرگی از احکام و قوانین این دین را تشکیل می دهد. از نظر اسلام، قلمرو آزادی هر انسان تا جایی است که حقوق دیگران پای مال نشود. هر مسلمانی موظف است آنچه را برای خود نمی خواهد، برای مسلمانان

۱- [۱] . جلال الدین سیوطی، جامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ه . ق، ج ۱، ص ۳۸۴.

دیگر نخواهد و برعکس. اگر راستی و درستی را خوش دارد؛ وفاداری به عهد و پیمان را می پسندد و دوست دارد جان، مال، آبرو و ناموسش محترم باشد؛ اگر از بخل و کینه و حسد دیگران به خودش بیزار است و از مردم انتظار خیرخواهی و احسان دارد؛ اگر تجاوز دیگران به حقوقش را ناپسند می داند، خود نیز باید در این امور پیش گام باشد و حقوق دیگران را محترم بشمارد. پیامبر گرامی اسلام، نشانه های چنین فردی را این گونه برمی شمارد:

یَقْضِی بِالْحَقِّ وَ یُعْطِی الْحَقَّ مِنْ نَفْسِهِ و یَرْضی لِلنّاسِ ما یَرْضاهُ لِنَفْسِهِ وَ لایَعْتَدِی عَلی أَحَدٍ.(۱)

به حق قضاوت می کند و از خود به دیگران حق می دهد. برای مردم همان را می پسندد که برای خود می پسندد و به (حقِ) هیچ کسی، درازدستی نمی کند.

۳۴- عیب بینی

برخی از مردم نسبت به خود بسیار خوش بین هستند. به همین دلیل، عیب هایشان را هرگز نمی بینند یا آن را ناچیز می شمارند. این امر سبب می شود که هرگز به فکر اصلاح خویش نیفتند. متأسفانه این گونه افراد با مشاهده عیب های دیگران از کاه، کوه می سازند و عیب های آنان را بسیار بزرگ تر از آنچه هست، نشان می دهند. آموزه های دینی با نکوهش عیب بینی، آن را نشان غرور و خودخواهی انسان دانسته و به پرهیز از این کار دستور داده است و یادآور گشته که اگر خواستیم به عیب دیگران بپردازیم، نخست عیب خویش را ببینیم و درصدد اصلاح آن برآییم. ازاین رو، رسول گرامی اسلام می فرماید:

۱- [۱] . میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۶۲۹۸ .

إِذا اَرَدْتَ أَنْ تَذْكُرَ عُيُوبَ غَيْرِكَ فَاذْكُرْ عُيُوبَ نَفْسِكَ.(۱)

وقتی می خواهی عیب های دیگران را بشماری، عیب های خود را به یاد آور.

رسول رحمت در سخنی دیگر، این کار ناپسند را این گونه نکوهش می کند:

يُبْصِرُ أَحَدُكُمُ الْقَذى فِی عَيْنِ أَخِيهِ وَ نَسِیَ الْجِذْعَ _ أَوْ قالَ الْجِذْلَ _ فِی عَيْنِهِ.(۲)

هر یک از شما خاشاک را در چشم برادرش می بیند و تنه درخت را در چشم خود نمی بیند.

۱- [۱] . نهج الفصاحه، ح ۱۷۲.

۲- [۲] . کنزالعمال، ح ۴۴۱۴۱.

۳۵– سخن آخر

همواره در برابر انسان ها دو راه قرار دارد که یکی به سعادت می انجامد و دیگری به شقاوت. این دو راه، از سرشت آدمی سرچشمه می گیرد. سرشت مادی انسان، به امور مادی و چیزهایی که به زندگی و رفاه آن مربوط است، گرایش دارد. در مقابل، فطرت خدایی او به فضیلت های معنوی و کمال روحانی می گراید. نادیده گرفتن هر یک از این دو، به منزله نادیده گرفتن نیمی از وجود انسان است. جست وجوی سعادت بدون توجه به غریزه ها و نیازهای جسمانی یا بدون توجه به معنویات، هر دو نادرست است.

تنها مکتب که با دیدی همه جانبه به انسان می نگرد و راه و رسم زندگی او را بر اساس همه جنبه های وجودی ترسیم می کند و به نیازهای فردی و اجتماعی انسان پاسخ می گوید، مکتب اسلام است. با نظری دقیق و ژرف به دستورهای حیات بخش نبوی به خوبی درمی یابیم که هرچند این مکتب بر سرشت معنوی و روحانی انسان بیش از گرایش های مادی اش تأکید دارد، هرگز معنویت را رودرروی مادیات قرار نمی دهد. بنابراین، فقر و تهی دستی و پشت پا زدن به لذت های مادی را سفارش نمی کند، بلکه از زبان پیامبر اسلام نقل شده است که در دعایی می فرماید: «أَللّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفرِ وَ الْفَقْرِ؛ خدایا! من از فقر و کفر به تو پناه می برم».(۱) همچنین در کلامی دیگر فرموده است:

ص:۷۸

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۲.

أَللّهُمَّ بارِكْ لَنا فِی الْخُبْزِ وَ لاتُفَرِّقْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُ فَلَوْلاَ الْخُبْزُ ما صَلَّیْنا و لا صُمْنا وَلا أَدَّیْنا فَرائِضَ رَبِّنا.(۱)

خدایا! در نان ما برکت ده و میان ما و آن جدایی میفکن که اگر نان نبود، قدرتی بر انجام نماز و گرفتن روزه و دیگر واجبات نداشتیم.

نیز از رسول رحمت صلی الله علیه و آله است که: «کادَ الْفَقْرُ أَنْ یَکُونَ کُفْرا؛ تنگ دستی [و نداری]، مایه کفر است».(۲)

بی گمان، آنچه اسلام از دنیا نفی می کند و انسان را از آن پرهیز می دهد، ثروت اندوزی و دل خوشی به خواسته های دنیوی و کمال مطلوب دانستن دنیاست؛ خواسته هایی که بر اساس حکمت ها، در سرشت انسان آفریده شده است. برای مثال، دل بستگی به مال، زن، فرزند و غیر آن، هرگز ناپسند نیست و پیامبران و اولیای الهی نیز از این گونه موهبت ها بهره مند بوده اند. اسلام هرگز نمی خواهد سرچشمه میل ها و عواطف را بخشکاند، بلکه می خواهد دنیا و مادیات را از صورت کمال مطلوب خارج کند و خدا و آخرت را به عنوان کمال مطلوب عرضه بدارد؛ زیرا گرایش های روحانی، بخشی از وجود انسان را تشکیل می دهد و نیازهای او نیز بر همین اساس ارزیابی می شود. بی گمان، هر اجتماعی که نسبت به این بخش از خواهش ها و خواسته های طبیعی انسان بی توجه باشد و آن را نادیده بگیرد، با پی آمدهای خطرناک آن روبه رو خواهد شد.

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲- [۲] . الامالی، ص ۲۹۵.

کتاب نامه

۱. ابن بـابویه قمی (صـدوق)، محمـد بن علی، معـانی الاخبار، تصـحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

۲. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۶.

۳. حرانی، ابو محمـد حسن، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسـسه النشـر الاسـلامی، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ه . ق.

۴. حرعاملی، محمـد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۲ه . ق.

۵. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر فی الاحادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۰ه . ق.

۶. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ه . ق.

۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، الامالی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ه. ق.

۸. الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ ه . ق.

۹. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه . ق.

۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ه . ق.

۱۱. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجه البیضاء، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، بی تا.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۱۳. مقدس نیا، سیدمحمد، آداب معاشرت، مرکز تحقیقات اسلامی، نشر پیک جلال،

چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۴. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البیت قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ه . ق.

۱۵. هندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین، کنزالعمال، تصحیح: صفوه السقاء، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ه . ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹